

حقیقت

شماره ۳۸ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸

درگردستان چه میگذرد

ورادپو-تلویزیون چگونه جعل خبر میگذرد

در صفحه ۱۲

بیاد طالبانی

مبارز نستوه

در ساعت ۱/۳ دقیقه با مداه
۱۹ شهریور، حضرت آیت الله طاب
لقاشی درگذشت، ما درگذشت ایسن
بجا هدمبار زویبگیرا به همه مردم
آزادخواهان ایران تسلیت گفته و بـ
بروان آن حضرت درود می فرستیم .
آیت الله طالقاشی، عمری
را در مبارزه با رژیم خود فروخته پهلوی
پورا میریالیم گذرانند و با رها بزندان
افتاد و محتمل شکنجه و آزار شد . او از
سیاستگذاران نهضت مقاومت ملی
در سالهای ۴۲ - ۳۹ و یکی از عمیل
خای درخشان آزادخواهی در سالهای
بعده بود و چه در زندان و چه خارج از آن
بست از مبارزه برینداشت و همواره در
کنار خلق و برای آرمان های مقدس
خلق مبارزه نمود، رژیم شاه از این
مجاهد کینه و نفرتی عمیق بدست داشت
و لحظه ای از آزار و شکنجه وی دست بر
نداشت، آیت الله طالقاشی پس از آن
که برای آخرین بار از زندان شاه
خارج شد در پیشانی نهضت تسوده ای

در مجلس خبرگان

چه میگذرد

در روز ۲۸ مرداد با آغاز پویش
ضدانقلابی، بر علیه آزادی مطبوعات
و فعالیت سیاسی و حقوق دموکراتیک
مردم و لشکرکشی خائسانه به گردستان
و کشتار روحشانه مردم دلاور گردستان،
مجلس خبرگان "مجلس خبرگان"، نیز در کاخ سنای
گشایش یافت، آیت اله خمینی در
پیامی که بوسیله آقای رفسنجانی
قرائت شد، عملاً اعلام کرد که فقط
معممین و نمایندگان روحانیون حق
نظر دادن در باره مسائل اساسی قانون
اساسی را داشته و اگر هم اختلافی میان
شان بروز نمود باید خود در بین خود
حل نمایند و تک و تنگ "نمایندگان
غیرمعمم بهتر است خود را قاطعی مسأله
که به آنها مربوط نیست و "ملاحظت"
نظر دادن در باره شان ندارند نمایند،
یعنی حتی هم این "خبرگان" هم در
"ملاحظتشان" تک هست و از میان این
"خبرگان" نیز تنها بخشی "ملاحظت"
نظر دادن در باره مسائل مهم و اساسی
را دارند. ۷۵ نفر را به شیوه ای، کاملاً
ضد دموکراتیک و مملو از تقلب و حقه
بازی "انتخاب کرده اند تا برای ۲۶
میلیون مردم ایران نظر دهند و با زور
شان همس ۷۵ نفر از کسانی به
حساب "معمم نبودن" کنار گذاشته می
شوند و فقط بخشی از این "نمایندگان"
که صرفاً نماینده یک اقلیت روحانی
میباشند به بازی گرفته میشوند و همین
حالت انسان بفکر میافتد که این همه سر و
عذار "انتخابات" و "آزادی" را دیگر
برای چه میخواهند؟ حقیقت اینست که
از همان آغاز زورمداران قدرت در
نهران و قم میخواهند یک مجلس
انتصابی برپا کنند و صرفاً زیر فشار
حاضر به قبول "انتخابی" بودن این
مجلس شدند و پس از "انتخابات" نیز
به همان سیر مشروعیت برگشته و آنکارا
اعلام نموده اند که فقط معممین حق
نظردهی و تصمیم گیری دارند و این
حق است که خدا بداند داده و جای
سخت هم ندارد .

بقیه در صفحه ۳

تحلیلی از اوضاع کنونی انقلاب

شود و حتی با آنان همکاری صورت
گیرد، موقعیت دسته تصفیه شده سران
و افسران شور و کرات و بدستار ارتش
تقویت شود و فرصت تجدید تشکسل و
خود نمائی یا بند، خمینی و یارانانش
هر چه بیشتر به ماجراهای ضدانقلابی
ورود و روشی با مردم کشیده شده از روشی
انقلابی و نیروهای چپ سرکوب شوند
و از سوی دیگر خودشان در میان مردم
بی اعتبار گردند، مردم به سر خوردگی
و فقر و احساس نا ایمی دچار گردند
و سرانجام زمینه برای انجام یک
کودتای یا تحول ارتجاعی و ضد ملی
آماده گردد .

از سوی دیگر سوسیال -
میریا لیم روس نیز کمابیش همینها
را میخواهد: میخواهد گرایش ضد
توده ای و مستبد در محافل حاکم در
تحکیم موقعیت خود به کمک اقتصادی
و پشتگرمی سیاسی شوروی امیدوار
گردد و از لحاظ اقتصادی و سیاسی
در شرایطی قرار گیرد که اگر از طریق
عاملش هم نتواند مستقیماً با خودش،
یعنی با دولت روس کنار آید و وارد
بقیه در صفحه ۲

به یاد بود ۱۷ شهریور

یکسال از کشتار خونین
شهریور میگذرد، یکسال قبل
چنین روزی هزاران نفر از مردم
را دیخواه تهران، بدنیال اعلام
کومت نظامی از جانب رژیم خود -
روخته پهلوی، بدست عمال آدمکش
رژیم پهلوی بدست رسیدند و با خون
رخ خوش راه پریچ و خم انقلاب
یران را هموار تر ساختند، تا ربیع
بقیه در صفحه ۱۴

تحلیلی از اوضاع ...

همکاریهای وسیع اقتصادی و نظامی شود، یک شبکه جاسوسی و خرابکاری در دستگاردولت در میان عشا پیریدید آورد. لبه تیز قدرت دولت و نیروی پاسدار متوجه نیروهای انقلابی و چپ شده (مانند موردخوزستان) و در این میان مردم سرخورده گردیدند و بسیاری عملشان پایگاه پرتوده ای فراهم کنند، در صورت امکان و بیا جلب محافل ارتشی و روحانی در انجام یک کودتای فاشیستی همکاری کنند و اگر نشد، با دادن زدن هرج و مرج در جامعه، زمینه یک تاج و زنجیر اگرچه غیر مستقیم هم که باشد، در آنجا فراهم گردانند.

در این میان نیروهای انقلابی و در پیشاپیش آنها کمونیستها متحد نیستند و تشکیلات انقلابی اطمینان بخشی برای رهبری مردم در اوضاع بحرانی که تکامل مییابد، برای حفظ و تحکیم اتحاد مردم و برای نجات مردم از این بلای خونی خطرناکی که مرتجعین و روحمایستیان طلبیمیان صفوف متحده خلق افکنده اند، وجود ندارد. آیت الله خمینی و محافل و گروههای که در کف حمایت و قرار گرفته اند در حالیکه هر روز تحقیر بیشتری برای دشمنان واقعیتی انقلاب ایران و عمال و همدستانان رژیم سابق قائل میشوند، لبه تیز حمله خود را متوجه درون انقلاب میسازند و گاه تروکها و تروکهای و فریب داد اعتراف احادی گوش فرامیدهند. آنان هر چه کنترشان بر "بیت المال" مردم بیشتر میشود و قدرت و حشمت بیشتری کسب میکنند، گوشه نشینان سنگین تر میگردند و بصورت یک جریان معین از صف مردم جدا میشوند.

هم اکنون جنگ تحمیلی در کردستان، که دستهای ناپاکی جوانان پاسدار رویدند، آنها قوای ارتش را بجان توده اهالی یک منطقه انداخته است، رویداد است که از تمام شای آن تنها دودولت شوروی و آمریکا و بیوزنه عوامل ضربت دیده رژیم سابق و اسرا شیل لذت میبرند، تبلیغات مسخره و جعلیات را دیو-تلویزیون نمیتوانند این واقعیت را کتمان کنند

که در کردستان دعوا با یک با ندوا - بسته به بیگانه بنام حزب دموکرات نیست، بلکه تحریک توده های غیرکرد بر علیه مردم کرد، بر علیه یک قوم، یک ملیت، و تمهیل یک جنگ ناخواسته بر آنان و بر اتحادیه های دهقانی و نیروهای مترقی و انقلابی جریان دارد و میوه چینی و واقعی آمریکا و روسیه اند. وجود افراد شوروی چون سردسته با ندخرا بکار "امل" در راس یا صلاح مجاهدان کردستان، با نسی که همین نقش تفرقه افکنانه و خائنه را در لبنان ایفاء کرد، واقعاً قابل تامل است. آیا این قماش باند ها و گروههای آتش افروز و خرابکاران لبنان علیه آمریکا یا شوروی بود که مبارزه میکردند؟ آنها تنها آلت دستهای بودند برای ابر قدرت ها و محافل حاکمه کشورهای عربی، که لبنان را به آتش کشند، میان فرقه های مذهبی و قومی و ملی تفرقه اندازند و در این میان خلق فلسطین و نیروهای انقلابی آن بودند که با سدا و آوازه توطئه گری ها و جنایات آنها را در تل زعتروجای دیگری پرداخت و مورد حمله و تاج و زنجیر قرار می گرفت.

رویداد کردستان جدا از سایر امور و قایمی که در نقاط دیگر کشور جریان دارد تمییز شد، فعلاً لیست کمیته های امام و گروههای آلت دست و شور و در همه جا به مزاجی در زندگی مردم تبدیل شده و هر روز بخشهای از توده مردم را به مخالفت با خود بر میانگیرند. در خوزستان گروه روحانیون حاکم بر کمیته هسا و گروههای آلت دشمنان دست در دست عقاید ارتشی و استناداری، با تشویق و پشتگرمی و حتی تحریک آگاهان جناح راست بورژوازی ملی شیوخ غمگین و عمال ساواک بجان کارگران و معادف کارگری و جوانان انقلابی و چپ افتادند و یک حکومت شبه نظامی مستقر ساخته اند. کارهای ایشان آدمی را بیا دو حشگرایی سوان بختیاری، گروههای شبه نظامی و کارخانهداران افغان، که از پشتگرمی مقامات حکومت مرکزی برخوردار بودند، در هر اسانگیزیهها و حملات روزمره شان به کارگران و اتحادیه های کارگری اصفهان در سالهای جنگ دوم جهانی میاندا زد. آیا این اقدامات وحشیانه ضد آزادی استان خوزستان و کمیته ها علیه کارگران و آزادخواهان و همچنین نفاق افکنان میسان اعواب و فاسقهای این استان و دادن زدن به تحریکات ملی، مبارزه با

آمریکا یا شوروی است، سرکوب عوام مل و توطئه چینی بیگانه است؟ پس چطور عوام ساواک و شیوخ هوا دار رژیم سابق از اقدامات آقای مدنی استان خوزستان، حمایت میکنند؟ چطور با ایشان پشتگرمی میدهند؟ چطور رهبری حزب توده، که دروا بستگی و سرسپردگی آن به شوروی شکی نمی باشد، طی بنیادیه های بلندبالا نسی از تیمار مدنی و اقداماتش دفاع میکنند و تقاضای تشکیل یک جبهه متحد با ایشان را علیه با صلاح ضد انقلاب مطرح میگردانند؟

در این میان دادستانی و دادگاههای انقلاب با تغییر ترکیب اعضای آن و پیش گرفتن یک سیاست ضد انقلابی، لبه تیز احکام خود را متوجه مردم گردانیده اند. از یکسو احکام چند درجه صفو و آزادی گروه گسروه از عمال رژیم سابق و ما موران عا لیرتبه ساواک را صادر میکنند و از سوی دیگر هر روز چند حکم در مورد توقیف مطبوعات و تهدید و خالت در کسار چاپخانه ها، بستن مراکز سازمان های انقلابی و جمعیت های سیاسی، اعدام فلان زن بیچاره بجرم خسود فروشی و یا شلاق زدن به کسه و خرده فروشان بجرم گران فروشی توسط این اقتدار کم در آموغیره و غیره بیرون میدهند.

بطور کلی نارضایتی نسبت به اقدامات خیره سرانه و ضد انقلابی محافل حاکم و بیوزنه نسبت به دسته روحانیت حاکم و دستگا های وابسته با آنها در میان مردم با لامیگردد و بخشهای روز افزونی از کارگران دهقانان و حتی کاسب و پیشه ورومندان آنها به خشم آمده اند، آنان می پرسند: اینهمه بی حرمتی نسبت به انقلاب مردم، اینهمه نمک ناشناسی و سودجویی تا جوان مردانها از اعتماد و صبر و تحمل توام با امید مردم، که سرعت سرمیخورد، تا کی؟! عده ای به مال و منال و قدرت و حشمت رسیده سر بر سر اند، گه آری شایخ خدا آنقدر بالا برده اند، که آری خلقشان ایشان را می بینند؛ و در این میان را نمی بینند؛ چه خلق این پاس است و آن بالا نمیدانند. آن کس که سریع بالا رود سریع هم پاشین کشیده خواهد شد!

کوبی تا ریخ تترار میشود! در زمان انقلاب مشروطه نیز که تدوین قانون اساسی مطرح شد عده ای از میان ملایان پیمان خود را با مشروطه خواهان شکستند و بیلوای مشروطه (یعنی حکومت شرع و

ممتاز ویژه برای روحانیت) بیا کردند، با چاق و تکفیر بجان آزاد یخواهان و توده انقلابی مردم افتادند، ریختن خون سران آزادی را حلال اعلام کردند، با محمد علی شاه و عمال استبداد همدست شدند و بیه یاری قوای کودتا گر قزاق و نوکر روس شتافتند و بیلوای مشروطه طلبی شرایط مسا عد برای پیروزی کودتای محمد علی شاه و عمال روسیه تزاری فراهم آوردند. استبداد دست نشاند با صحنه گردانی همین مشروطه چنان و متدبیین دو آتش بر همه جا سایه افکند. آنگاه یک ماه هم گذشت که از دل آن توده انقلابی دلوران و چوهران غیرت و همتی زائیده شدند بنام ستارخان و مجاهدان کرد و جان بر کف در آذربایجان و سپس در کیلان و دیگر نقاط، که قیام کردند و بیا پشتبانی آن توده انقلابی هم آن گروه خیره سر مشروطه چی و هم آن دستگاه استبداد کودتا را سرکوب کردند و علمداران نشان را بر سر جایشان نشاندند. حقایق امروز متنا سبت بسیاری با تاریخ گذشته داشته و درس عبرتی برای مشروطه چنان نوپای ما می باشد.

البته رضا خان هم همینطور از بیفل اشراف و اطراف دربار محمد علی شاه بیرون نیامد. در آئی زمان کمانی چون آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی معروف هم بودند که برای وی آغوش گشودند و در مجلس موسسان انرماشی رضاخانی، که سلطنت پهلوی را بروی کار آورده شد، کت جستند، یعنی همان آیت اللهی که امروزه به ستایش از اومی پردازند و امروز همدستان و طرفدارانش جای خالی او را پر کرده و عکس این همدست رضاخان را، که دهها سال بعد هم پاس رضاخان و سفارت آمریکا در کوه دتای ۲۸ مرداد همراهی کرد، بهمه جا میا ویزا نشد.

گوشی که تا ریخ تکراری شود! با ز انقلاب شده و مساله تدوین قانون اساسی آن دردستور کار قرار گرفته است، و در مقابل باز عده ای با سودجویی از عواطف مذهبی مردم و به سبب کردن بساط استبداد خودشان قصدی علمی و حکومت شرع راه دست گرفته و پیمان شد. انداخته اند، با ز اینها هم دست عوامل مشکوک و عا صروا بسته بد استبداد پهلوی، با چاق و تکفیر بجان آزادیخواهان و توده انقلابی مردم افتاده اند. در زمان انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی اش، علم مشروطه سرانجام تابلو براه دست گرفته و پیمان شد. انداخته اند، با ز اینها هم دست عوامل مشکوک و عا صروا بسته بد استبداد پهلوی، با چاق و تکفیر بجان آزادیخواهان و توده انقلابی مردم افتاده اند. در زمان انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی اش،

حقیقت

۱۰۱

تحلیلی از ...

شیخ فضل الله نوری ها وسید حسن مجتهد تبریزیها وقما شنان میداندار بلوای ضد مشروطه بودند، او امروز هم که انقلاب جمهوری شده و تدوین قسا سون اساسی اش دردستور کار راست معلوم است میداندار بلوای ضد جمهوری چه کسانی هستند، فرجا مکار آن گروه مشروطه چی وخیره سر قدیمی جده بود، که فرجا مکار این گروه مشروطه چی وخیره سرنویا نباشد؟!

با بد توجه داشت که رضا خان در درون ارتش شاهنشاهی آن زمان نه قرا قخانه نامیده میشد، بیسرون مد رضا خان هم عوام قریبا نه دسته امیبا نداخت، گاه بر سر میریختند دای مومنان شریعت وتقوا رادر با آورد و یکپایش همیشه در محضر علمای م بود، رضا خان هم کار را از تقویت سون تخفیه نشده شاهی و لشکر کشی - خوزستان و کردستان آغا ز کرد - امروز هم کم نیستند تسمما رهای عوام - ربیسی چون مدنی ها ومحمد حسین - ماکرها وقما شنان که ما نند رضا خان زدرون ارتش شاهنشاهی وقت سردر ورده وخود رانا مزدا بیفای نقش تا - بیخی رضا خانی کرده اند، اینها هم اندر رضا خان ادای مومنان رعیت وتقوا زاد را آورده، یکپایشان میشد در محضر علمای قم بوده و "اتفا - ا" کارشان راهم با تقویت قشون تخفیه نشده شاهی و لشکر کشی به خود سنان و کردستان آغا ز کرده اند، اگر سی میخواهد از تاریخ درس عبرتی نبرد که بدر د امروز بخورد، بفرا مید! لایگیری!

در اینجا چند کلمه ای درباره رزوازی ملی ونقش آن، لازمست بد شود. بورژوازی ملی (تجاری، عتی و روشنفکران لیبرال و - سدان) بطور کلی خواهان سر - سندی انقلاب وحفظ دستگا دولتی رتن سابق، اغلب موازین و صوا - اداری واقتصادی سابق بوده و با خورسما به داران وابسته غیر یو - کراتیک ویا سرما به گذاری خارجی بدون امتیازات خاص سیاسی و ذمی ویژه (ویا آوردن مستشار و رساس مالی، اقتصادی ونظامی خارج مخالفتی ندارد، این بور -

رزوازی در حال حاضر بر اغلب اقدا - مات ضد خوده ای وضدا نقلابی، کسه در جامعه جریبان دارد، صده میکند اردوده در برخی زمینها نقش مهمی راهم ایفا میکند. جناح راست آن پایبند اصول پارلمانی هم نیست و بسا استبداد تمایل دارد. علت این حر - کت بورژوازی، بغیر از بنده های سنتی وتاریخی که این بورژوازی را با مالکان کوچک ومتوسط وحتی برخی خانهای عشا بر پیوند میدهد و بیفراز روابط نیمه وابستگی جناح راست آن با امیرها لیمتها، بهم این طبقه از برخاستن یک جنبش شده ای متشکل کارگری وگسترش نهضت انقلابی دهقانان برای انقلاب - رضی در روستاها و به مغا طره افتسادن تخیلات! و در بارها ایجا دوشبیت یک حکومت جمعی بورژوازی با همدستی مالکان در شرایط تاریخی فعلی است.

البته جناح چپ این بسور - رزوازی و برخی روشنفکران بورژوا - زی از این اقدامات ضد آزادی وتو - طه گرانها نظهار رنگرانی میکنند و تمایل به مصالحه با انقلابی سون ونیروهای توده ای را دارد، لیکن جناح راست بورژوازی ملی قاطعانه از هملات ارتشیها، روحانی سون امتیاز طلب وملکان وغیره به توده انقلابی، و امولا سرکوب هرگونه مخالفتی بشتیبانی میکند و خواهان پایان دادن به هرگونه تسمویه حساب با عمال رژیم سابق وایجاد تاملی در سطح موجود، وحتی بدتر از آن، بسا امیریا لیسیم وکمپرا دورهاست، در صورت اوج گیری جنبش کسارگران ودهقانان ویا توسعه نا آرامی عمو - می در میان توده ها، این بخش از بورژوازی به قبول یک رژیم دیکتاتوری نظامی متمایل شده وحتی ممکن است کل بورژوازی ملی وحتی بخش بالائی ومرفه خرده بورژوازی را نیز با خود همراه کرده اند، البته در صورت عمده شدن تضاد با امیریا لیسیم (دشمن خارجی) مثلا برا ترتجسا ووز آمریکا یا شوروی ویا حرکت فعالانسه امیریا لیسیم آمریکا برای انجسام تحریکات دامنه دار و صریحی در زمینه فراضا اقتصادی، مالی وغیره حرکت سیاسی فعلی بورژوازی ملی میتواند نندجا ردگرگونی شود و بخش مهم و شایع همه آن در صف مردم باقی بماند، ولی فعلا ما ماکه شرایط بالاموجود نیست بورژوازی ملی برای خاموش کردن شعله های پیشبرنده انقلاب فعالیت میکند و بشیوه های مختلف در برابر

بقیه در صفحه ۴

در مجلس ...

از میان "نمایندگان" این مجلس "خبرگان" بیش از ۶۵ نفرشان معمم و نما بنده جمعیت ۲۰۰ هزار نفری روحانیت ایروانند، یک کارگزار و یک نفر زن ودوسه نفری هم "متفکر اسلامی" میباشند، یعنی حتی اگر آن یک نفر کارگزار هم نما بنده واقعی کارگران بنا میم (که به هیچ روحین نیست و این فرد نه نما بنده کارگران بلکه نما بنده روحانیت در درون کارگران میباشند)، جمعیت دوسه میلیون - کارگران ایران در این مجلس یک نماینده "دارند و جمعیت ۲۰۰ هزار نفری روحانیت بیش از ۶۵ نفر نماینده بهمین ترتیب زنان که نسبی از جامعه را تشکیل میدهند در این مجلس دارای یک نماینده هستند (که با زاگرایان یک نفر نما بنده زنان بنا میم که در حقیقت چنین نیست) و اقلیتنا - چیز روحانیت بیش از ۶۵ نفر نما بنده دارند، دهقانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدهند حتی در ظا هرهم در این مجلس دارای نماینده نیستند چه برسد با اینکه دارای نماینده واقعی باشد، سا یراقشا روطیقات طبقی نیز بهمین ترتیب، بییک کلام، مجلس، مجلس نمایندگان قرا قلیت نا چیز روحانیون است و بس، البته روحانیونیکه به عت خود را بجای قیم و نما بنده مردم جازده اند و پیروان خاص است که از چنین مجلسی نیز چیزی جز منافع همیسن روحانیون مشرعه طلب بسرون نخواهد آمد.

از این آغا ز که بگذریم، برای بررسی مسائل حاشیه ای این "مجلس خبرگان" جای تعمق دارد. "دولت موقت" ۱۰ میلیون تومان بودجه این مجلس اختصاص میدهد، در این مجلس ۲۵ نفر شرکت دارند و قرا رسود یکماهه سرونه "قانون اساسی" راهم بسا ورند، یعنی برای هر یک از نمایندگان "نزدیک به ۱۴۰ هزار تومان در این یکماهه به عارت دیگر هر روز نزدیک به ۴۶۰۰ تومان اختصاص داده شده است. کارگران خوب نگاه کنید! دولتی که به سه نداشتن بودجه از دادن حق بیگاری به کارگران خود - داری میکند و با هزار رمنت و بیش شرط چند صد تومان به کارگران وام میدهد که بعدا هم بس بگیرد، دولتی که برای ساختن خانه برای مستضعفین از خود مستضعفین پول طلب میکند و زنان فقیر را به "هدیه" کردن سرماییه یک عمر رحمت و عرق ریختنشان وام میدارد، این چنین دولتی ۱۰ میلیون تومان را برای خرج یکماهه ۲۵ نفر اختصاص میدهد که بسا بسد برای "مستضعفین"

قانون اساسی تدوین نمایند، انتفاع این عمل آنقدر بالا گرفت که حتی برخی از همین "نمایندگان" هم سرو صدایشان در امتد قرا رشده بودجه را از "کمتر" کنند.

این "مجلس خبرگان" در شرایط ویژه ای برگزار شد، از یکطرف همه مطبوعات آزاد بخواد و مترقی توقیف شدند و آنها بی که باقی مانده - اند نیز کاری جز ترکار طوطی وار آنچه قدرتمندان قم و تهران میخواهند ندارند و راستا خیزوار صیح است اصحت میگویند در نتیجه مردم از امکان مطلع شدن در باره مسائلی که در این مجلس میگذرد محرومند و اینان از خود میبرند و میدورند و میبوشند و برای یکدیگر دست میزنند و از سوی دیگر جلسات این "مجلس" در شرایط لشکر کشی به کویستان و کفتار مردم کردستان صورت میگیرد که نهیجا همه افکار را متوجه خود کرده و اینان را در پشت پا زدن به انقلاب و دستاوردهای آن آزاد گذاشته اند و همه این مسائل نمیتواند بی ارتباط با توطئه ضد مکرراتیکی که "مجلس خبرگان" تمام دارد باشد.

از بحث هایی که جسته و گریخته به خارج در زید کرده است این چنین بر میآید که یکی از دعوا های درون این "مجلس" بگرد مسئله "ولایت فقیه" دور میزند. "ولایت فقیه" بزبان ساده چنین است:

- ۱- حکومت از آن خدایست و هیچکس جز او نمیتواند بر مردم حکومت کند.
- ۲- خدا خود حکومت نمیکند و بلکه از طریق قوانین شرعی حکومت مینماید.
- ۳- قوانین شرعی در قرآن وسنت پیغمبر متبلور شده است.
- ۴- این قوانین احتیاج به مجری وتفسیر کننده دارد.
- ۵- فقط فقها ومراجع شرع حق تفسیر این قوانین را دارند، در نتیجه، حکومت خدا یعنی حکومت فقها ومراجع شرع و در این میان طبیعتا جای برای حکومت مردم بر مردم نیست، زیرا مردم "بیسواد" وحتی "باصواد" اگر فقیه نباشند "ملاحیت" تفسیر قوانین الهی را نداشته و صرفا با یاد زاین قوانین اطاعت نمایند. "حکومت شرع" و "مشروعیت" و... نامهای دیگر همین "ولایت فقیه" میباشند، در چنین حکومتی نهایی به وضع قوانین و مجلس نمایندگان بی که چنین قوانینی را وضع نمایند وجود ندارد زیرا همه قوانین لازم قیلا وضع شده اند و صرفا با یاد تفسیرشان نمود و اگر هم مجلسی قرا راست بوجود بیاید، حتی در تدوین قوانین اساسی نداشته و صرفا میتواند به مسائل جزئی وکناری بسردازد و

بقیه در صفحه ۴

حقیقت

در مجلس ...

تا زه اینهم اگر در تضا دبا نظرات "فقیه" درآمد. خود بخود کتا رگذاشته میشود. دعوائی که فعلا در "مجلسی خبرگان" جریان دارد از یکسو بگرد ولایت یک فقیه یا "شورای فقا" دور میزند. یعنی عده ای معتقدند تفسیر این قوانین با ایداز جانب یک شورای متشکله از مراجع شرع صورت گیرد. عده ای اینکا ررا در انحصار یک فقیه میدانند. بیک کلام دعوانه بر سر شرکت با عدم شرکت مردم در تعیین سروسنشان، بلکه در میان خود روحانیون و جناحی از این طریق امتیازات بیشتری را طلب میکنند و مردم از مدتها پیش از این جریان کنار گذاشته اند. شورای فقا یعنی شرکت نمایندگان جناحی مختلف روحانیت در تعیین سیاست ولایت یک فقیه یعنی کتا رگذاشتن با برحنا حهای روحانیت و غلبه کامل و انحصار کتا ریا نه یک جناح بر کلیه امور کشور. اینک این دعوا بود کذا جناح و کذا طرح حل شود. تا تیسری در نتایج این بحث و نقش مردم در تعیین سروسنشان ندارد. زیرا در هر حالت آنها را کتا رگذاشته اند. از سوی دیگر دعوائی بین مشروعه طلبی و مشروله طلبی در جریان است که بشکل مبارزه میان نمایندگان تشریحانیت انحصار طلب و نمایندگان "لیبرال" تر جریان است. دعوانه بر سر میزبان حقوق مردم، بلکه میزان حقوق روحانیت و قشرهای مختلف این روحانیت است. از چنین مطلق نیز جز این انتظار نمیتوان داشت. زیرا مجلسی کسه نماینده روحانیون باشد. مبارزانش نیز بیشتر بگرد تضا دهای موجود بجهین روحانیت دور میزند و چنین نیز بوده است.

این مجلس تا زمان نگارش این مقاله، دو اصل از اصول "قانون اساسی" را به تصویب رسانده است که هر دو صرفا شامل نکات عام و در مجموع بی مفهوم و گنگ و بیابرای تفسیرهای گوناگون میباشد و هنوز با مسائل و مساحت اصلی و گره ای گشوده نشده است و با اید در زمان بحث پیرا مسون حقوق ملت "و" مالکیت "و" امثالهم انتظار را ترا کشید و از همین خال معلوم است که بحث نمونه خروا راست و ما شاهد

تقلیلی از ...

بیشروی انقلاب مقاومت میوزد؛ و حتی ممکن است در شرایط عمیق شدن بحران اقتصادی و پراکنندگی سیاسی جامعه، جناح راست آن در توطئه یک کودتای نظامی شرکت کند و بقیه اشان حتی و منفعل موضع گیری کنند.

البته جناح راست بورژوازی که از تاجر عمد و اخلی و ما حبان صنایع متوسط بیلا تشکیل شده اند، همراه با مالکان و همچنین بخش مهمی از بورژوازی که بر اثر انقلاب به مال و منال رسیده و مواضع اقتصادی و سیاسی متعددی بچنگ آورده، آنگاه نه تنها بیل دارنده کمونیستها و انقلابیون دست به حرکت و اکنشی و عجلانه زد و در پیرا بر تحریکات ایشان به قیام برخیزند و بدین ترتیب، در شرایط برویرو جولاندهی خود، هر چه زودتر نال این خطرناکترین دشمن امیال ضد انقلابی و جاه طلبانه خود را، تا هنوز پانگرفته و به انسجام و استحکام نرسیده، بکنند و خیال خود را از این سوراخ راحت کنند. بیهوده نیست که آنان و احزاب و گروههای وابسته با ایشان و با آلت دست ایشان از همه حرکتهای تحریک آمیز ضد کمونیستی و ضد سوسی کراتیک آشکارا بیا نهان پشتیبانی میکنند، هر واقعه کوچکی را برجسته میسازند و میکوشند تا زده خورد های موضعی و کوچک را به یک کسار زار تحریک آمیز تمام عیار تبدیل کنند و بزرگ جلوه دهند و نیروهای کمونیستی و انقلابی را قبل از موعده جنگ با خود و ادا سازند. در شرایط کنونی مبارزه برای خنثی کردن این تاکتیک نا جوانمردانه بورژواهای ضد انقلابی و همدستانشان و افشای قاطعانه آنها در میان کارگران و توده مردم اهمیت دارد.

بدیده ما، کمونیستها یا اید با سرعت صوف پراکنده خسود و را یکبار چه ساخته، به ایجاد یک تشکیلات منسجم برخاسته و بدینسان متعهد کردن تشریح و انقلابی توده مردم را، که فعلا پراکنده است، ممکن سازند و ضامن موضع محکمی را در جامعه در میان اهالی شهروستایسرای مبارزات انقلابی آینه فرامگردانند. آنان فعلا با اید در پیرا بر تشبثات و تحریکات خائسانه بورژواها، مالکان و روحانیون امتیاز طلب از سیاست انجام عمل مبارزاتی مستقیم در شرایط مناسب و با لگد مال شدن هر چه بیشتر حقوق مردم و دستاوردهای انقلاب با تمام ایران و با لگرفتن تناقضات نامبرده خواهیم بود.

شوجه به تا شیر آن بر توده مردم، اندازه نگهداری و پیشرفت کامیگام پیروی کرده، از ما جراحی و حیرت گشهای و اکنشی برهیزیده و تا آنجا که ممکن است در صوف بسوز و زوای ملی، مالکان و روحانیت، با توجه به تضادهای موجود در میان جناح هایشان، انشعاب اندازند. بدینسان حرکت آنان در سمت منفرد گردانیدن امتیاز طلبان و مشروعه جیان درون روحانیت، جناح راست بورژوازی و مالکان شور و پایدیا شد. بر اساس این حرکت آشرا بیسط بسیج و متحد ساختن مردم علییه امپریالیسم و نوکراتش و علیه طبقات بورژوازی بزرگ و وابسته و مالکان و زمینداران بزرگ و وابسته، و در نتیجه ادا ما انقلاب، تسهیل خواهد گشت.

اگر رهبری انقلاب ایران و سرنوشت فعلی آن بدست گروهها و قشرهای افنا دکه پیمان شکنی و غیره سری با توده در ذات طبقاتی شان نهفته است، بدین خاطر بود که انقلاب مردم از رهبری یک تشکیلات انقلابی، از اتحا دو تشکل انقلابیون، بی بهره بود و بویژه طبقه کارگران و وحدت و تشکیلات انقلابی خود پییره نداشت. ما و زحمتکشان ملت ما امروز چوب این فایده بزرگست که میخوریم. انقلابی که بهمت توده زحمتکش و جوانان دلیبر ملت ما با رورشا مروزیبا زیجه دست کسان شده است که از بابیت و جودا بین فایده بزرگ در میسار رزه دیگران با این جاه و مقام رسیده اند، از بابیت تفرقه و نبود تشکیلات در صف کارگران و توده رنجبران هالی کشور ما، در صف کمونیستها و انقلابیون کارگری ما، به غیره سری و خود کماکی جرئت کرده اند. آنگاه که کارگران انقلابی ایران و همه جنبش کمونیستی و کارگری ما متحد و یکبار چه شود و تشکیلات واحد خود را اعلام کند، خیره سران و مشت میوه چین کشته دیگران حساب کار خود را خواهند کرد؛ توده مردم تحا در زنده ای را که بدست محافل حاکمه کنونی به هر چه مرج و سر خوردگی کشانده میشود و با ره بدست خواهد داد و در پیرا بر ارت و رزی ها و خود سریهای دستجات و مقدمات ضد توده و انقلاب شکن، که میهن ما را بسوی نابودی میکشاند و آنرا بهمیدان توطئه و تحریک ابر قدرتها و عاملان تبدیل کرده بسوی یک، دیکتاتوری ارتجاعی تمام عیار سوق میدهند، ما رخوا همدزد.

به یاد بود ...

هیچگاه این شهیدان و حماسه جاون دانه شان را از یاد نخواهد برد. یکسال از این کشتار خونین میگذرد. یکسال که بخود کشتارها و شهدای بسیاری را دیده و شاهدی شده است. اینک خلق ما در سوگ این شهیدان نشسته و یادشان را گرامی میدارد. چه این شهیدان و بسا رچو آنها بودند که با نثار خون خود سوزنگونی در باره پهلوی و پیروزی های بدست آمده را میساختند. اما چگونه میتوان از این شهدا تجلیل کرد؟ چگونه میتوان با یاد آنها را گرامی داشت و خون پاکشان را غایب ننمود؟ امروز، همان ارتشی که در ۱۷ شهریور و ۱۷ شهریورهای بعدی هزاران نفر از مردم ما را بخون کشید، در کردستان ۱۷ شهریورهای دیگری آفریده است. همان هلی کوبیترهایی که از آسمان بر مردم آزاد میخواستند، در دهات و شهرهای کردستان را بمباران میکنند. همان کوما ندوها، همان شکاروران و همان گاردهای منحوس جا ویدان که میدان شهیدان را کشتارگاه خلق ما ساختند، در کردستان فاجعه می آفرینند و زحمتکشان این منطقه زنان، مردان و کودکان را بجزیر رگبار میگیرند. آری، خلق ما هر روز در سوگ شهیدان نشسته و جاه مساهش را از تن بدرنیا ورده است. چه همان دستهای جنا پتکار رهزور در کارنسد و بعناوین مختلف توطئه میچینند و کشتار میکنند.

بزرگداشت خون شهیدان ۱۷ شهریور را با نوحه خوانی و گریه وزاری و فاجعه نمیتوان بر آورد. مجالس ترحیم، راهپیمایی های بی نتیجه، و عزاداری، چاره این خونبهای از دست رفته نیست. بزرگداشت خون شهیدان ۱۷ شهریور، تنها و تنها، در ادا مساه آنها و بنا بود ساختن معنیهین واقعی این کشتار شوم میسر است. ارتش خود فروخته ها هشایی، بدستورار با شش ۱۷ شهریور را ده باقی است. فرماندهان همین ارتش "با سازی شده" چندی پیش طی اعلامیه ای "مرگ رنده که کلیه اسناد و عکسهای که نشانگر جنایات ارتش ها هشایی است و بویژه عکس کشته کشتار ۱۷ شهریور را نشان میدهند جمع شوند تا مردم "تحریک" نگردند. اگر این فرماندهان حقیقتا از گذشته بریده اند، چرا نسبت به این اسناد و عکسها از خود حساسیت نشان میدهند و آنها را "تحریک" میز قلمداد میکنند.

وقتی که خسرو خان قشقایی حافظ امنیت شود دیگر خنما گرگها میشن شده اند!

متن اعلامیه دهقانان متحصن بنا بر تاریخ ۵/۸/۵۸ در استانداری فارس :
 برای آگاهی عموم ملت ایران لازم میدانیم وقایع چندروز اخیر را تشریح کرده و نقش ارتجاعی خوانین را در هجوم روشن کنیم .
 تا یاد هجوم نا جوانان مردانه بیش از ۲۵۰۰ نفر مرد مسلح تحت نفوذ خوانین قشقایی تابع خسرو خان قشقایی به روستاهای سرحد چهارم - دانگه مخصوصا احمدآباد تا کنون اطلاع داشته باشید . این هجوم و حمله به قصد غارت روستاهای ما ، برای به قید و بند آوردن منطقه ما و اسارت دهقانان رنج کشیده آنجا مگرفت . از ما تقبل خواسته شده بود که همبستگی خود را با خسرو خان قشقایی اعلام و در نتیجه مانند دهات دیگر زیر نفوذ خان برویم که دنباله اش چیزی نخواهد بود مگر برداخت باج و خراج برای مخارج تفنگ - چی های خان و دوروبریها پیش که روز افزونند ، مانند جمع آوری ۹۰ تنالی از رضاآباد به بیانه تشریف فرمائی خان و پس ندادن آن و با اعلام اینکه مردهقان سرانه باید ۲۵۰ تومان برای خرج و مخارج تفنگ چی های خسرو خان بپردازد ، ما دهقانان این منطقه زیر بارین مسائل نرفتیم چرا که معتقدیم انقلاب اسلامی ایران بدین طایفه ها با بیاد خا تمه بدهد و ما دیگر زیر بار زور و هیچ قدری و صاحب قدرتی نخواهیم رفت . این زیر بار نرفتن ما خوانین قشقایی را برانگیخت تا اختلاف غلام معصومی کدخدای رضاآباد و پسر معلوم الحالش که از عوامل رژیم شاه بوده و اکنون از آبادی خوانین قشقایی هستند با ضرغامی را بسپارند و قرار داده و با تسبیح تفنگ - چی و سیاه به احمدآباد حمله کردند . در این حمله کمانی ما بندقه فتح الله - شهبازی و خوانین نیش بلوکی شرکت داشتند که از ایلادی رژیم محمد زاهدی

نزاری از پیروزی ...

نزار می توانست و ما ملت به کار خا نه میآید ، در اینجا با فحاشیهای علاءالدینی - مدیرعامل کار خا نه به کارگران در حضور نما ینده وزارت کار خشمگین کارگران به اوج خود رسیده اقدام به سرکوب کردن گرفتند کارفرما میکنند و بدین طریق درسی خوبی با میدهند ، کارگران اعلام میکنند که تنها در قبال گرفتن خواسته - هایشان حاضر به راه کردن کارفرما هستند که با ما ملت نما ینده وزارت کار ، کارفرما با گرفتن فقط یک شب مهلت برای رسیدگی به خواسته های کارگران آزاد میشود البته با این شرط که اگر در کار خا نه حاضر نشده هم کارگران بمحمل زندگی او بروند ، بدین ترتیب اعتماد پیروزمندکارگران شوقناکار پایان می یابد .

البته کارگران تمام خواسته هایشان را بطور کامل نمیگیرند ، ما با فشاری و تداوم کارگران در این مبارزه و لا در مقابل کسی که البته در دولت نفوذ و قدرت داشته و در شورایی عالی وزارت کار نقش حساسی برعهده دارد و تا نیا در زمانی که اعتماد به نظر هرات و تحصن حرکتی ضد انقلابی محسوب شده و سرکوب میشود ، بسیار قابل توجه بوده و عقب نشینی کارفرما و دولت در مقابل کارگران دلیر شوقناکار هر چند موقتی و تاکتیکی برای کارگران شوقناکار و همه کارگران دیگر یک پیروزی محسوب میشود . این اعتماد ، تداوم و نتیجه آن نشان دهنده این مدعاست که :

۱ - درجه رشد آگاهی کارگران به مراتب بالاتر از قیام رفته و تا نسیسرات تبلیغات عوام فریبانه دولت و برخی روحانی نما ها به مراتب پائین تر آمده است .

۲ - اتحاد کارگران روبه فزونی میباشد اگر چه بعضی ها سعی میکنند که در بین کارگران تفرقه بینا نندازند . (قابل توجه است که تمام کارگران و کارمندان در این اعتماد شرکت داشته اند)

۳ - کارگران دیگر کار خا نهجات درجهت بوجود آوردن پیوندی عمیق و همبستگی با نیه کامبر میدارند (برخی کار خا نه ها و کارگران متفرقه به صندوق اعتماد این کار خا نه کمکهای مالی کرده اند و به اعتماد با ن پیام همبستگی فرستادند)

۴ - کارگران با هم مطمئن تر شدند که حتی در دولت " مستضعفان " نیز حقوق حرفتی است نه دادنی ، و نمیتوان به هولتی دل بست که حاجی با با ها - گردهندگان وزارت ما رش هستند .

بود و اکنون هم بنام پنده خسرو خان در منطقه فعال اند . در مقابل ما دهقانان نیز اعلام کرده ایم که تا آخرین قطره خون در برابر هرگونه تجاوز به دهکده و مزارع و چراگاههای خود خواهیم ایستاد و چنانکه در جنگ نابرابر چند روز قبل نشان داده شد به آسانی تسلیم نخواهیم گشت . ما بسره روان پاک عباس یوسفی معروف به بابائی فرزند بیست ساله اش حبیب ایسن کشا و روز جمعه که در دفاع از ما شهید شدند درودی فرستیم . عباس یوسفی در حالیکه زخمی بود به دست غده ای چه کیز صفت میآفتد که بجای آب کسه وی میخورد و کلت جواب اسیرا میدهنه و او را اسارت میکنند و چنانچه از او را بقولی به جای می آید از آسایشی که چنین وحشیانه عمل میکنند می توانستند دعای مسلمانی کنند؟ ما به روان دیگر کسانی که قربانی این ستمگرانه شدند نیز درودی فرستیم چرا که این خوانین نبودند که کشته شدند بلکه برادران رنجید ، قشقایی بودند که بملت نا آگاهی و تعصب های عشیرتی و طایفه ای به جنگ برادر کشی کشیده شدند تا خوانین قشقایی که در این جنگ جاه طلبی می جستند و می خواستند قدرت نمائی کنند به اهداف کثیف خود برسند ، خوانین که دلشان بحال بتیم های بیگانه کشته شدند که چه قشقایی چه با صری چه اهالی ده نیمی سوزد ، خوانینی که حساب میکنند که این جنگ چقدر به نفعشان تمام شده و چقدر خسرو خان خودش را پیش دولت و متنفذین فارس با قدرت نشان داده و قدرت نمائی کرده ، خوانینی که هر کدام حساب میکنند در این جنگ چند تفنگ چی بسیج کرده اند و چقدر به اصطلاح رشادت نشان داده اند تا پیش خسرو خان عزیز تر گردند و مورد مرحمت واقع شوند ، آنان دلشان بحال کشته شدند ، نمیسوزد ، آنها از پیرایشا نحالی سازمانندگان و بدبختی هایی که در آینده با آن روبرو خواهند شد خبر ندارند می خواهند داشته باشند ، ای کاش کلیه عشا یر به آن درجه از رشد فکری رسیده باشند که دیگر با زجه دست خوانین سودجو و جاه طلب نگردند ، بدانند که کلیه رنج کشیدگان ده و شهر و عشا یر این مرز و بوم با هم باید سراسر درواری آنچنان که در خور مردم ستمدیده و ممرنج میباشند و بسا حسین در مقابل زور و ظلم شمشیر کشند ، دوا ی درد ما ها تنها نیستند و حتی محمدخان ضرغامی که در رابطه با توسعه نفوذ خود اعلام همدردی کرد نیز آنجائی که منافعی بقیه در صفحه ۶

به یاد بود ...
 تحریک آمیز بر علیه کی ؟ مگر مردم با مشاهده این عکس ها جز بر علیه ارتش شاهنشاهی که مسبب این کشتارها بود - ده است ، بر علیه کس دیگری نیز تحریک میشوند ؟ مطمئنا نه ، لاکن اصل مطلب اینجاست که فرما ندهان کنونی ارتش ، خود را جزئی از گذشته گذشته را جزئی از خود میداند و چنین نیز هستند و زمین روست که تحریک بر علیه ارتش شاهنشاهی را تحریک بر علیه خود میداند و چنین نیز هست . ارتش شاهنشاهی ، ستمنا دگرگون نشد و نه تنها اکثریت قریب به اتفاق بر سنل وابسته و خبیانت پیشه و مهمتر از این ، نپا دهائی که ایسن وابستگی را الزام آور میسازد ، تغییر نیافت ، بلکه امروز در رأس آن کسانی چون تیمسار شاکر که پرونده نوکریش برای دربار امپریالیسم آمریکایی کمی پوشیده نیست و سالها معاون نردوست ، رئیس با زرسی شاهنشاهی ، بوده است قرار گرفته اند و با وقایع

متن قطعنامه دهقانان در استانداری فارس

متن قطعنامه دهقانان (در حدود ۴۰۰ تن) در استانداری شیراز به تاریخ ۵۸/۴/۵ :

بنا م خدا

درود بر امام خمینی رهسیر انقلاب و حامی مستضعفین چون در منطقه سرحدچها ردا نگهبان عشاری قشاقی و با مسیری اختلافاتی بروز کرده و کار به جنگ مسلحانه و قتل انجامیده در حال حاضر ما با مشکلاتی روبهرو هستیم که توجه مقامات مسئول را به رفع این مشکلات معطوف میسازد .

۱ - ما تعدادی دهقانان خودکفا هستیم که به هیچ ایل و طایفه ای وابستگی نداشته و تنها از نظر جغرافیایی در مسیر و محل وقوع جنگ قرار گرفته ایم و چون احتمال خطر جنگ دیگری در منطقه وجود دارد از آنجا - شیکه کسانی مسئول حفظ انتظامات هستند (خسروخان قشاقی و ایادی) که خود یک طرفه اختلافات و جنگ میسازند و لذا نخواهند توانست بیطرفانه از وقوع جنگ دیگری جلوگیری کنند بنا بر این خطر جنگ که ما کان منطقه را تهدید میکند از طرفی با توجه به موقعیت جغرافیایی جنگ ما خسارات و عوارضی را جانا و ما لا متحمل می شویم ، آیا دولتی که مدعی حافظ منافع مستضعفین می باشد چرا در چنین لحظه بحرانی از ما در مقابل متجاوزین خوانین قشاقی دفاع نمی نماید و عوام را آشوب طلب خوانین قشاقی هارا سرکوب و امنیت لازم و کفایتی را به منطقه بازمی گرداند ؟

۲ - بعد از جنگ مذاکراتی در استانداری با حضور سرگردگان ایل قشاقی و باصری انجام شده مشکل اصلی دهقانان یعنی امنیت منطقه لاینحل مانده که ما بدین خاطر گنا گناهان نموده ایم .

۳ - ما بدین وسیله اعلام میداریم که از هیچکدام از خوانین و ملاکان منطقه پشتیبانی نمی کنیم و هیچگونه وابستگی به هیچ جریانسی مانند کمونیستها و ... نداریم و لذا تبلیغات دروغین را که بعضی از دشمنان ما که قصد زورگویی به ما را دارند علیه ما میکنند مبنی بر اینکه ما ضد انقلاب و کمونیست هستیم را رد می کنیم و اعلام میداریم که هر کس که برای دفاع از حق خود سرخیزد لزوما کمونیست نیست و این کمونیست چیزی شده که ملاکان و زورگویان به مخالفین خود نسبت میدهند تا درین آت به اجحاف و ظلم و سزاکوت دست زنند . ما اعلام می داریم که فقط از حق خود در برابر تجاوزگران دفاع می کنیم و هرگونه اتهام دیگری نظیر وابستگی به کمونیست را رد می کنیم و لذا پشتیبانی کلیه مردم و اقات را خواهیم .

۴ - در طی سخن تاریخ ۵۸/۴/۵ ما خواستار حمایت از استانداری محترم شدیم . در وهله اول ضمن موافقت فوری ایشان قرار شد ظرف ۲۴ ساعت حمایت لازم به عمل آید . سپس با مراجعه شخصی بنا م تا هرخ حیدری شن بلو - کی از این قشاقی به استانداری و یکی از خوانین ، در این لحظه آقای استانداری اظهار داشتند که ما کمک لازم را با نظر خسرو قشاقی به منطقه می فرستیم و چنانچه شما در این مورد اصرار و سماجت و تحقیق نمائید " همه شما را بعنوان ضد انقلاب به مقامات مسئول تحویل خواهیم داد . " و ضمنا تهدید نمودند که " ما بخاطر انقلاب اشکالی نمی بینیم در اینکه فوراً دها ت شما را با هواپیما بمباران نمائیم " آقای اساندا ضمن عرض ارادت به ایسبل قشاقی از استانداری ما را بیرون فرستادند .

روحانیون مبارز و استانداری محترم فارس و مسلمانان مسئول ضمن اینکه ما روشت این قطعنامه را به امام خمینی رهبر انقلاب تلگرافا خواهیم فرستاد در حد امکان مالی روشت قطعنامه را به مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی و مطبوعات و رسانه های گروهی ارسال خواهیم و کمک در جهت رفع فوری این مشکلات هستیم .

با احترام اهالی دهات :
" احمدآباد - سرآباد - تخت چمن - حسین - آباد - دردانه - رضاییگی - دین محمدی "

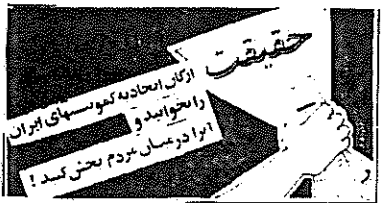
و در خطر دید منطقه را ترک کرد و ما در عمل تمهیدیم که ما مستعیدگان خود با ید دست بدست هم بدهیم و بساط زورگویی و خان غانی را براننداریم . در بعد از ظهر دومین روز سردآتش بس وسیله استانداری و آیت الله محلاتی برقرار شد و خسرو قشاقی بخاطر نیروی زیادش و کهک و همکاری آیت الله ربانی شیرازی که گفته بود " منطقه زیر نفوذ کمونیستها است و باید در هم کوبیده شود " . حاضر به عقب نشینی نشد و اینک تمام زراعت و مراتع ما در تصرف نیروهای او می باشد . ما گذشته از اینکه با ید اعلام داریم که منطقه زیر نفوذ کمونیستها نیست و ما هم کمونیست نیستیم بلکه دهقانیم و برای بنان شب با دست های پینه بسته رحمت میکنیم و بخاطر دفاع از آزادی و دفاع از حقوق پایمال شده خود در مقابل ارتجاع دفاع و قهرمانانه مبارزه کردیم و میکنیم و شهید دادیم .

در روز سوم تیر ماه ما دهقانها دسته جمعی به استانداری فارس رجوع و بس از قرائت قطعنامه و بیان خواستهای بحق خود اعلام تحمنا تا رسیدن به خواستهای خود را کردیم که عمده خواست ما جلوگیری از تهاجم خوانین قشاقی بود . متاسفانه برخورد اولیه سرپرست استانداری فارس با ما بسیار ناجا بود و ایشان گفتند که بخاطر انقلاب اشکالی ندارد که چند روستا را ما با ما نفوقم بمباران کنیم . و آیت الله ربانی هم همان موضع قبلی خود را داشتند . سرپرست استانداری در قسمتی از صحبتها ایشان فرمودند که به آقای خسرو قشاقی رجوع کنید تا امنیت لازم را برای شما تامین کند . اعیان ما از دست خود خسروخان شاکلی بودیم ، هجوم بدون شک بدستور وی صورت گرفته بود چرا که دست نشاندهان و محرکین - من اصلی جنگ بودند بدون اجازه وی آب هم نمیخوردند تا چه رسیده به من زدن به چنین جنگ خانمان براندازی . آقای شاهرخ حیدری شن بلوکی نماینده تام الاختیار خسروخان در منطقه هم حضور داشتند و فرمودند که ما تفنگ چسی برای حفاظت به آنها خواهیم داد . در صورتی که ترس ما از همین تفنگ چسی بود حال خودشان میخواهند بنا صلاح محافظ باشند . در این جالازم به تذکر است که از حضرت آیت الله ربانی سؤال کنیم که چه کسی به ایشان گفته است ما کمونیست هستیم و یا کمونیستها ما را تحریک میکنند ؟ شما حضرت آیت الله میفرمائید که طرفدار مستضعفین هستید و بحق هم باید با شهیدولی آیا کوچک ترین دلیلی پیدا شده که ما کمونیست هستیم در صورت چه چیزی در خسروخان قشاقی یافتید که از وی طرفداری میکنید . مستضعف مسما هستیم یا خسروخان و خوانین تحت نفوذش ؟

در روز ضمن عده ای از طرف رادیو تلویزیون اسلامی ما ملامت حبه کردند و ما در دلد خود را به آنها گفتیم و آقایان قول دادند که همسان شب در برنا ما استان آن را پیش کنند ولی در برنا ما استان بجای بخش مساحبه دهقانان متحصن ، اعلامیه خسروخان را پیش کردند . آیا ایسبن دهن کجی به ما نبود و آیا این طرفداری پی قید و شرط از خانهای ارتجاعی نیست ؟

در ادامه مذاکرات با آقای استانداری که روز بعد از تحمنا انجام گرفت آقای استانداری در بنا مای به فرماندهی و اندامری فارس که بدست خود ما دادند دستور دادند که یک پاسگاه مسلح در اختیار ما بگذارند تا جلو تهاجم عمال خوانین قشاقی و قتل و غارت دهقانها از طریق آنها گرفته شود . ما منتظر اقدامات عملی دولت هستیم و امیدواریم که با رد دیگرها - دران زحمتکش قشاقی ما به ناحق زیر سلطه خوانین در جنگ برادر کشی در - گیر نگردند . اعلام میداریم که هرگز به فریم هیچکس تجاوز نخواهیم کرد ما فقط از زمین های خودمان در برابر تجاوزات دفاع خواهیم کرد و امیدواریم برادران عشاری دیگر چون ما عمل کنند و فرست به خان های مرتجع و فرست طلب ندهند .

مرگ برخای مرتجع و بیگانه پرست
پایدار باد و متزحمتکشان ایران



در تکبیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

حقیقت

اعلامیه دهقانان مهربون

برای اطلاع خلق قهرمان ایران

ما خوش نشیمان روستای مهربون کربال که از سال ۴۴ روی زمین های مالک این روستا بنام ایرج سلیمی زحمت کشیده ایم و همیشه در فقر زندگی میکردیم، بعد از انقلاب اسلامی و از بین رفتن رژیم شاهنشاهی خوانان تغییر وضع زندگی خود شده ایم، ما دهقانان بعد از ۱۶ سال روی این زمینها عرق ریخته ایم و حاصل زحمات ما را ایرج سلیمی فئودال چون زان لوفی مکیده است حق خود میدانیم روی زمینی که یک عمر کار میکنیم بسا تعلق گیرد و مستضعفین بتوانند در این دوره که رژیم طاغوتی که خامی ما لکان خونخوار بوده است از بین رفته و مباحث خود برسیم.

در تاریخ ۵۸/۴/۲۷ در یک گردهمایی متحدانه تصمیم گرفتیم زمینها را که در واقع متعلق به است به جنگ خود در آوریم، و از فقر و فلاکت سالیهای طولانی رهایی پیدا کنیم. روی همین اصل همگی آرزو و مورد زمین هارا شخم زده و بذر پاشی کردیم تا بتوانیم برای اولین بار دسترنج خود را خود بدست آوریم.

سلیمی با روبروشدن چنین وضعی دست به توطئه میزند، برای اولین بار به سراغ کمیته امام مروودشت رفته و یکی از روحانیون مروودشت به همراه عده ای از ما موران کمیته امام به این روستا آمدند. و متاسفانه عوض دفاع از دهقانان به ارباب دهقانان پرداختند، به این شکل با رسیدن به روستا بدون جهت دست به تیراندازی هوایی زده و زنان و بچه ها را به وحشت انداختند چنانچه چند زن حامله از وحشت بچه های بدنیا نیامده خود را از دست داده اند، آقای خدایی با پیدا شدن از ماشین چند نفر از دهقانان را کتک زده و شروع به فحش دادن به آنها میکنند و نفر از دهقانان را دستگیر کرده به کمیته امام در شیراز میبرد با قیام نامه دهقانان که ۵ نفر بودیم عازم شیراز شدیم. در کمیته امام هنگام بازجویی تعداد ۶ نفر از مالکان جمع شدند و همگی ما را تهدید کردند و با تهدیداتی تهدیدنا مه قلبی که متن آنرا برای مانخوانند اندازه نفر از ما امضاء گرفتند و به دهها زکشتیم.

اما مالکان نمی دانند که ظلمهای آنها فراموش شدنی نیست و به این سادگی ما از زمینهای که روی آن رنج کشیده و عرق ریخته ایم دست بردار نیستیم و همچنان بخاطر زمینها تا پای جان مقاومت کرده و میکنیم. سلیمی مجبور شده به دامان یکی از خوانین شورونام جوادخان شیبانی که هنوز بعد از انقلاب اسلامی و از بین رفتن رژیم منخور محمدرفا شاه بسه گردن کشی های خود از دامان ما می دهد شده است، جوادخان شیبانی در چندی قبل که دهقانان غیور سلطان آباد خواستار زمین شده بودند توسط مالک چماق سرکوب دهقانان شد و دستش به خون یکی از دهقانان (به تحریک وی) آغشته گشت. این بار جوادخان جنايتکار با سو استفاده از زحمتکنان عشاير، گروهی تفنگچی ترتیب داده و عازم روستای ما برای ارباب و اذیت و سذگردن حرکت ماسیج کرده است. ما وارد شدن تفنگچی های جواد خان یکی از دهقانان به پاسگاه دودخ رفته تا جریان را با اطلاع پاسگاه برساند، اما جوادخان و مالک توطئه ای چیده و هنگام بازگشت جلوسوی وی را گرفته موتورسیکلت و مبلغ ۸۰۰۰ تومان پول نقد را به سرعت میبرد و هر روز از اینگونه شرارتها و اربابها در داخل ده و اطراف آن بوجود میآورد. چنانکه در تاریخ ۵۸/۵/۸ به منزل یکی از دهقانان حمله کرده و تعداد ۱۲ راس گوسفندی را بمرت میبرند. ما دهقانان ناچار شده هرب برای حفظ اموال و ناموس خود در اطراف ده با ساری کنیم.

خواستهای ما دهقانان مهربون بقرا زیر است:

۱ - از عشايران زحمتکنان میخواستیم به خاطر سو استفاده جواد خان شیبانی چماق سرکوب ما دهقانان شتم کشیده نشوند و فریب چینی

اشخاصی شرور و خاشن را نخورند چون ما برای پس گرفتن حق خود (زمین) مبارزه میکنیم.

۲ - ما شکانی از مالک به مقامات مملکتی فرستاده ایم و خواستار رسیدن دولت و رهبران انقلاب امام خمینی گردن کشی های مالک و چینی خوانینی را محکوم کنند و حاکمی ما دهقانان ستمدیده و رنج کشیده باشند.

۳ - ما از تمام دهقانان منطقه کربال - مروودشت میخواستیم تا با اتحاد و تفاق خود طوی توطئه های مالک و خوانین گردنکن را گرفته و از با پشتیبانی کنند.

"دهقانان روستای مهربون - کربال"

سورخه ۵۸/۵/۶

رونوشت از تکاپت نامه دهقانان مهربون

به ریاست استانداری فارس:

محترما بعرض عالی میرساند امضاء کنندگان زیر سائین فریه مهربون کربال در زمانی که مالکین این قریه (ایرج سلیمی و افشاریان) با کمک رژیم منحوس پهلوی عرصه را به ما تنگ کرده و زیرکمه جا برانه آنها جان میدادیم و هر چه که سال دوازده ماه جروزحمت میکشیدیم مالکین و مز دوران آنها در آمدی که با زور با زوی ما زحمتکنان بدست میآمدیه تازاج میبردند و تظمه زمینی هم که با کمک کاواسب ما بحتاج خود را از آن تا مین مینمودیم (چهار بکاری) در موقع اصلاحات ارضی با کمک مهندسین اصلاحتات ارضی همان خاشنین به ملک و مملکت از دست ما گرفتند. ما ندیم ساو سردرگمی ما و بیچارگی بناچار چون میدانستیم فریاد ما را هیچکس نیست که جواب مثبت دهد، ده خود را ترک و هریک بدیاری نا معلوم رهسپار شدیم. البته تعداد کمی از ما نیز بعنوان بهره ای از زمین سالیانه مقدار کمی بسا میدادند.

البته تعداد کمی از ما را بعنوان روز مزدنگه داشتند که با حقوق روزانه ۲۵ ریال مزدور این مالکان بی دین و ایمان شدیم و هر کدام از ما نیز بعنوان بهره ای از زمین سالیانه مقدار کمی بسا میدادند.

فقرو بیچارگی روز بروز به ما پیروزتر میشد تا جا شیکه تسوان ایستادن آن عده قلیل هم از کف رفت که آن تعداد هم ده را ترک کردند و فقط ما ندیده سها رنفر که هنوز هم کارگری میکنند با آواره گی و فقر دست بگریبان بودیم و خدا گواه است که شها را در بیابانها و دریاها نهی شهرسیر میگردیم تا اینکه انقلاب اسلامی ایوان بهره بری تا یب الامام (خمینی) پیروز شدند و جان نوری در دل ما چھیدن گرفت که همه ما را احتیای گذشته را از یاد بردیم و به ندای رهبر خود گوش فراداده و جواب مثبت دادیم و راهی ده و آبادی خود شدیم و زمینهای را که خود کارگران بودیم و با ظلم و جور مالکان قلدر ما را از روی زمین بیرون کرده بودند مشغول آباد کردن و کشت آن گردیدیم تا اینکه در تاریخ ۵۸/۵/۵ عده ای از سپاه پاسداران انقلاب به تفاق مالکین سلیمی و افشاریان بهره برستی آقای خدایی یکی از اصلاحت روحانیون مروودشت به ده مراجعه و موقعی به ده وارد می شونند که همه مردها سرکار میروند و فقط زنها و عده محدودی مرد در ده بوده اند که بمحض ورود به ده چند نفر از اهالی را دستگیر و بدستور آقای خدایی کبابا ره سلیمی انجام گرفت پاسداران شروع به تیراندازی نمودند که منجر به رعب و وحشت در میان اهالی گردید بدون اینکه طرف دوم قضیه را در نظر گرفته و فکر کنند با ایجا دو حشت و تیراندازی ممکن است زن حامله ای از حال طبیعی خارج و منجر به مرگ خود فرزندش گردد که متاسفانه چنین موضوعی هم پیش آمده است. و خود آقای خدایی بکنفرانس محمدتسی زارع رازیسر لنگدوبسا دکتک گرفته که حال وی وخیم است. حتی بکنفرانس ما با شکی که از عشاير است با اسلحه کمری و اسلحه بلند خودش را بر رخ مردم میکشد که چنان میکنم و چنین میکنم اموالتان را غارت میکنم و اگر خواستید به مالک همکاری نکنید همه شما را زیر بار مسلسل میکیرم. حال از آن مقام استدعا داریم هر چه زود تر به این موضوع رسیدگی و ما را به انقلاب اسلامی اسپران دلگرم و امیدوار نمائید در غیر این صورت اگر انقلاب اسلامی معنی و مفهومش این است که از دوره طاغوت خیلی بدتر سرا میآوردند. ما را از زندگی وزنده ماندن نا امید کرده اند. با تقدیم احترام -

امضاء دهقانان مهربون

* رقم مذکور با حواس بود. احتمالا میتواند به ۲۵۰ باشد.

حقیقت

۱۳۸۰

مرگ بر خوانین ظالم و حامیان چیره خوارشان

چندی پیش خوش نشینان مهربون - کربال مرودشت که سالها در ترومکنیت زندگی میکردند و حاصل زحمات خود را به تکم مالک بی وجدان حاجبعلی ایرج سلیمی میربخشد، تصمیم گرفتند که زمینهایی که سالها وی آن کار میکردند را بتصرف مالکان اصلی آن یعنی کسانی که آنرا آباد کرده و از صبح تا شام بر روی آن زحمت میکشیدند، یعنی خودشان درآوردند. دست این مالک مفتخوار و ظالم را کوتاه کنند. سلیمی بست فطرت، ماسد به ظالمان و مفتخواران دیگر هنگامیکه این عمل به حق دهقانان توجه به تنگای پویرای جلوگیری از آن افتاد. اما از کجا؟ در دوره رژیم گذشته بیگانه دهقانان با اعتراض در مقابل مالک میایستادند، زاندا رها و تنگیهای محمدرضا شاه جلاد بودند که به مقابله با دهقانان میآمدند و سوارا به خون میکشیدند. ولی در حال حاضر نه تنها زاندا رها هستند بلکه در ساری از نقاط "کمیته های امام" که با صلاح مدافع حقوق مردم خود قلمداد میکنند، نیز با این جرگه بیومته اند. در مورد دهقانان شیروان مهربون - کربال نیز همین مساله اتفاق افتاد. مردک بست فطرت و چیره - با مالکین یعنی خدائی که سمت ریاست در کمیته مرودشت را داره، به عضو مطلع شدن از قضیه بوسله سلیمی با تنگیهای خود در "کمیته امام" ودشت، خود را به روستای مهربون - کربال رساند و چون جانوری کسه رای اربابش دم تکان میدهد و به حمله میکند، تا آنکه تکه غذائی بیشتر اوستاید، شروع به اعراب و تهدید و فحاشی به دهقانان نمود. بوسله رای که ندید خود را با دهقانان هر چه بیشتر نشان دهد، هنگام رسیدن به روستا کجا تنگیهای پیش شروع به تیراندازی نمودند، که باعث وحشت اهالی رید بد بطوریکه حتی سوزن حامله سجه های خود را از دست دادند. مرگ سرتو - خدائی، مزدور و بنود آنها، خدائی این آخوند مزدور، که از سفره خوانین کمن سیر میگردد، به این جنایت بیشرمانه اکتفا نکرده، به کتک زدن و سبب شکبری ۵ تن از دهقانان مبارک که برای احقاق حقوق خود برخاسته بودند با درت کرده، آنها را به "کمیته امام" شیراز میبرد. ولی اگر فکر میکنید که میتا امام "شیراز در دفاع از دهقانان سلسله شمشیر میکشد، در کمیته امام شیراز بجای توبیخ و دستگیری مالک بست فطرت سلیمی و خدائی قاتل کودک بدینسانیا مده، این دهقانان ستم دیده بودند که ما در مقابل تهدید اعراب ما مورین کمیته و گروهی از مالکان قرار میگیرند.

سلیمی مال پرست و وحاشی به این نیز اکتفا نکرده، دست بردارن ادغان شیبایی یکی از شرورترین و ظالمترین خاسهای منطقه میشود. ادشیمایی که داغ سنگ قتل یکی از دهقانان شریف سلطان آباد در پیشگاه سپاهش کوبیده گشته، با تنگیهای حای خود عازم روستای مهربون - کربال میشود و به اذیت و آزار دهقانان میبرد و زودا موال آنها را سرت می - د. و چرا که نکند؟ زمانی خان قلدر و ظالمی چون خسرو خان و محمدخان عامی بوسله دولت مسلح میشوند، تا با صلاح امنیت حفظ گردد، زمانی کسه های امام در دفاع از مالکین در مقابل دهقانان بلند میشوند و انما حرا که خواندنیانی این خان شرور و مرتجع کاسه لبس رژیم شاه برع. انجس که تباری بکنده جان و مال وردگی دهقانان ستم دیده سلسلی بکاید. الحق که دولت با زرگان با کمیته های امامش حای بیعنی هستند؟؟ نه حای مستضعفین هستند ولی حای بیگاری، ظلم، و حوال دهقانان سراسر ایران برای مالکان و نه سالکین، ار همین دولت از مالکان است که این بیشرمان به قرب عشایر و دهقانان خود دود میسند و آنها را برای کشتن برادران خود در مناطق دیگر سمسارند. عشایر حمتکن که به اشتباه در تحت نفوذ این زالوان قرار برندا بدیداند، که پس فردا هنگامیکه خود آنها خواسته های بحق خود شرح کنند، این خانها و ملاکین بی ناموس تنگیهای دیگر برای کوب آنها اجر خواهند کرد. و از این نظریا بدبوش باشند، که روز حمت را با سراسر ایران روستا نشینان بیبوند میدهند، نه با خان شکمبار و خوار.

گزارشی از پیروزی کارگران شوفاژکار

بعد از پیروزی قیام ۲۲ بهمن و برچیده شدن بساط ننگین سلطنت پهلوی، کارگران در اکثر کارخانجات برای این بار و رنده بودند که گویا دیگر حکومت از آن زحمتکشان است و این "مستضعفان" هستند که از این پس بر جا مده حکم خواهد شد و در اندوه چپا و لگران و مزدورانی مثل شاه، و تحت تاثیر تبلیغات "دولت مستضعفان" به آینه های که خود در آن سهم مهمی خواهند داشت دل بسته بودند. دیری نگذشت که واقعیات تلخ خلاف آسرا به آنها ثابت کرد. صاحبان کارخانجات با پشتیبانی دولت سرما به داری چنان حرکت سریع و غافلگیرکننده ای برای انحلال شوراها و یا از محتوی خالی کردن آنها و جایگزینی شورا های قلابی و فرمایشی کرده که کارگران در اکثر موارد مات و متحیرمانندند.

از جمله این کارخانجات یکی هم کارخانه شوفاژکار است که البته ما پیش یک با صلاح سرما به داری ملی بنام حاجی بابا است. این شخص در سرما به های با تنگیهای نظیر بانک توسعه صنایع و معادن نیز سیم بود و رای نقش است، در وزارت کار ریاست حساسی دار و از نزدیکان آقای بابا زرگان و دیگران محاصره طلبان دولت فعلی است. این کارخانه که عمدتا مواد اولیه اش در داخل ایران تهیه میشود و سازه دیگهای بخار و نظایر آنست و نزدیک به ۸۰۰ کارگر و کارمندان دارد، در مجاورت با دکان دپسو (جاه قدیم کرج) واقع شده - همین نکته همواره باعث پشتیبانی کارفرما بوده است - و یکی از معدود کارخانهای ملی کشور بشمار میرود. مالک این کارخانه از حمایت بیدریغ دولت برخوردار است و در مبارزه با خیرینزگیه بین کارگران و کارفرما صورت گرفت دولت قویا جان آقای حاجی بابا را گرفته و بی پروا کارگران را از خلالگروضا نقلایی خطاب مینماید.

شورای این کارخانه که بعد از قیام حرکات موثری در جهت بهبود وضع کارگران آغاز کرده بود، خیلی زود مورد غضب حاجی بابا واقع شد و برای نابودی آن از هر وسیله ای استفاده گشت، تا اینکه بالاخره حدود چهار ماه قبل بعد از سخنرانی یک روحانی نما و مقداری لجن پراکنشی به شورا آتزا عملا منحل کرده و ۱۲ نفر از اعضای آنرا از کارخانه اخراج نموده و شورای دیگری را جایگزین آن کردند. بدین ترتیب کارفرما و عمال او به تصور اینکه با تغییر ترکیب شورا و حفظ ظاهری آن دیگر میتوانند به راحتی به استئما رخود از کارگران بهر شدتی که میخواهند ادامه دهند، خوش بودند. اما بعد از گذشت سه ماه بالاخره از آنجائی که کارگران بی به حق مسلم خود برده بودند از شورا خواستند که برای احقاق خواسته هایشان اقدام کنند و به این ترتیب بار دیگر مبارزه در کارخانه شروع میشود. خواسته های عمده کارگران در این مبارزه عبارت بودند از: ۱۶ تومان اضافه دستمزد (به اضافه ما به التفاوت و دو حداقل حقوق) - اجرای درست طرح طبقه بندی مشاغل - اضافه شدن حق مسکن - جلوگیری از اخراج کارگران - برگرداندن کارگران اخراجی... و برای گرفتن این خواسته ها به هر وسیله قانونی متوسل شدند ولی از آنجا شیکه دولت از صاحب کارخانه دفاع میکرد هر بار جواب رد میشدند، بالاخره کارگران به حربه اصلی مبارزه خود در مقابل کارفرما متوسل شده و دست از کار کشیدند. بدین ترتیب اعتصاب کارخانه شوفاژ شروع شد. البته کارگران کماکان از اشکال دیگر مبارزه نیز استفاده میکردند. مثلا چندین بار به نخست وزیری، وزارت کار، کمیته امام موهبر "مرجع قانونی" دیگر که به نظرشان میرسید رفته و حتی یکبار بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران به جاسم رفته و از ادبوی - تلویزیون خواستار بخشش خواسته هایشان گشتند تا بلکه صدای خود را به دیگر هم میهنانشان برسانند و در تمام اینها عملا تجربه کردند که هیچکدام از این مبارزه ها دعا بشار را مستجاب نکرده و در اتکا به نیروی خود محکم تر شدند. بعد از دو هفته کارفرما قول انجام خواسته های کارگران را میدهد و آنها را راضی میکند که به سرکار برگردند، ولی وقتی تعدادی از کارگران روز قبل از شروع کار جهت روشن کردن کوره ها به کارخانه میروند کارفرما به آنها میگوید "به خانه هایشان برگردید. من نمیگذارم کارخانه به این طریق برای شما به افتد و تا آخرین قطره خونم در مقابل شما میایستم و حتی یک ریال اضافه بر مقدار سابق بشما نمیدهم." کارگران در مقابل مزخرفات کارفرما مبارزه شان شدیدتر گشته و میرفتند که اعتصاب را بتبدیل بیک شخص کنند که در اینجا نما پنده وزارت

احیاء فنودالپسم در زمینهای گشت و صنعت

مدت عباواندی از سرنگوی رژیم پهلوی میگذرد و سرنوشت زمینها که در محدوده شرکت های معروفه گشت و صنعت هستند مرتباً مورد بحث و

گفتگو در محافل هیئت خاکمه و "دولت موقت" بوده اند. اهمیت ویژه گشت و صنعت بدان جهت آنست که در برگیرنده حاصل خیزترین زمینهای کشاورزی ایران هستند که در ده سال اخیر توسط

سنت استعمار رنمودالی در این مناطق بوده به کشاورزی پرداخته. او همجس مبارزه کارگران این شرکتها برای سرانداختن استعمار سرما سبه داری

اخبار دهقانی از منطقه آمل

۱ - بنا بر گزارشات رسیده، صبح امروز جمعه ۱۹/۵/۵۸ یکی از میاثرین مزدور کلوکن بنا نام احمدی با اجیر نمودن تعداد زیادی اوباش و افراد مسلح برای سرکوبی مبارزات دهقانان که زمینهای غصب شده توسط احمدی و ۱۰۰۰ رابین خود تقسیم کرده بودند، ده میزور را اشغال می نماید. افراد مسلح برای ارباب و وحشت و تصرف نمودن زمینها، دست به تیراندازی هوایش زده و به خانه چند روستائی هجوم میبرند، وحشی در اطاقی که کهنواره نوزادی بود، شروع به تیراندازی هوایش می نماید. و همچنین چند زن روستائی که راهی شهر بودند را مجروح میکنند.

در این موقع چند تن از روستائیان برای جلوگیری از زود خورد خونین و استعمار دبه کمیته شهر آمل مراجعه مینمایند، اما مسئولین کمیته با سی تفاوتی و بیشرمی شما مدر جواب دهقانان زحمتکش میگویند که: "مزارع خودید" و "وقت ما را نگهید". ولی با پیگیری زنان روستائیان کمیته مجبور به اعزام چهار رپا سدا ر میشود.

اکنون در این لحظه حساس کمیته ها با سکوت و بی تفاوتی ربا بان پشتیبائی مینمایند و از ظرفی احتمال فاجعه خونین با ابعاد دوسیع جود دارد، بر شما مردم مبارزان آمل است که با حمایت مادی و معنوی خود از مبارزات روستائیان کلوکن، با توطئه های ضد انقلابی احمدی و... مقابله نمایند.

۲ - روز جمعه ۱۲ مرداد آقدهسپها مالکین خونخوار ۳۵ هکتار زمینهای هشتل، دهقانان بیدفاع این روستا را مورد حمله قرار دادند. روز چهارشنبه ۱۷ مرداد جماعتاران هدایتی مالک "انبار ده" دهقانان بیدفاع این روستا را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

روز جمعه ۱۹ مرداد مزدوران احمدی (مبارک مالکین ۶۰ هکتار مین کله کلن) مسلحانه به دهقانان این روستا یورش برده و چند نفر را جروح کردند.

اما کمیته انقلاب اسلامی آمل و دولت در مقابل این حرکات رجاعی مالکین سکوت کرده و عملاً از آن پشتیبائی میکنند.

۳ - اهالی روستای اوجاک (واقع در اطراف آمل) زمینهای بوالقاسم توکللی یکی از مالکین این روستا را تصرف کردند. توکللی به سینه شپور سولده شکایت کرده و پس از آن از طرف کمیته پیشینا دنده که نقطه سال روی زمین گشت کنند که مورد مخالفت روستائیان واقع شده.

۴ - روستای "خرطوم کلا" که بین آمل و محمودآباد قرار دارد یکی روستاهائی است که مردم آن از نزولخواهان ظلم و ستم فراوانی متحمل شده و زمینهای زیادی را به همین خاطر از دست دادند. چندی قبل دهقانان اینها یشان را که ۱۰ الی ۱۲ هکتار بود از جنگ حاجی "آسوری" نزولخواه را آوردند. نزولخواه را میرده با وساطت یک روحانی قبول کرد که به ازای هکتار ۴۰ هزار تومان بگیرد. روحانی سعی دارد این معامله را سه ساله بیاورد تا تحویل کند ولی دهقانان میگویند نه پول بدها و میدهیم و نه زمین

۵ - سائیش محله روستائی است واقع در ۷ کیلومتری جاده آمل - ااهالی این روستا زمینی را تصرف کردند، اهالی روستای محاور (موزین) ادعا میکنند که باید در گرفتن این زمین شریک بشوند. اما اهالی این محله موافقت کردند که تنها به ۳۰ نفر از آنها که بی زمین هستند بدهند.

۶ - روستای "بیشه کلا" در نزدیکی "معلم کلا" قرار دارد که قسمت دی از اراضی این دور روستا در اختیار اشراف پهلوی به سرپرستی کدخدای مکرر قرار داشت. بعد از قیام بهیمن ماه، اهالی کدخدای مزدور را عوض شد. اما رضان و آقا حانی به همدستی دیگر مرتجعین محل خواستند از ای قبلی را برگردانند. بهیمن منظور آنها ای به نام خمینی نوشتند. من عمل آنها بسودا هالی تمام شد. دو کمیته آمل شا ه دوستها جلوی آقای بقیه در صفحه ۱۰

دولت موقت". تا اینکه بالاخره "دولت موقت" در این زمینه اخبار اعلام شد. ایزدی وزیر کشاورزی سیاست "دولت موقت" را چنین اعلام کرد که: "به محض تصویب قانون اراضی زبرد در قرارداد های واحدهای گشت و صنعت اراضی زیر این بدعت عدم انجام قرارداد دلتغوز زمینهای آنها در اختیار دولت قرار خواهد گرفت". پس می

امراد "کسانی در مرحله اول ما حسب اسکوه زمینها میشود که قلا رسیده هایشان را برور گرفته اند" و "سه احتمال زیاد این واحدها برای این مقارعه در اختیار کارگران قرار خواهد گرفت" که "سرایان ایس کارگران مزدور نخواهند بود و در واقع شرکت محسوب میشود". (اطلاعات ۷ شهریور

تکیه از ما س)

بدین ترتیب به صراحت و آشکاری خاصی می بینیم که مالکیت این زمینها از آن "دولت موقت" اعلام گشته که سران این مقارعه که سوغی ایشوه استعمار رنمودالی و راجح ترین نوع آن در قتل از "اطلاعات ارضی" بوده است به دهقانان و کارگران ایس منطقه واگذار میشود. و بدین ترتیب

همانند گذشته دهقانان شریک سنا مالک ایس زمینها استعمار دولت موقت است. همانطور که ۲۰۰۰ سال است شریک بوده اند. مسعود.

س مبارزه دهقانان ایران و از جمله دهقانان محظوره ایس حرکتها برای سرانداختن سوغه های استعمار رنمودالی و کسب زمین در مال هسای گذشته یعنی گشت اوبه حیح گرفته شده.

بعضی دهقانان به سنا مالک زمینهای خود را (که در سدا از اطلاعات ارضی رژیم سابق بدان ها اعزاز رنوا روستا م اقتصادی رسیده بود و پس توسط رژیم دوباره غصب کردند). در ساره بدعت خواجند و در سنا که ۱۷ سال هم عقب تر رفته و به سبوه مزارعه که معمول

خاطن یعنی تفسیر از یک سبوه به سبوه دیگر استعمار) پس یک کلام "دولت موقت" به دهقانان سوبید سده گده: "بدین سوی احیا و اادامه استعمار رنمودالی مشارع تحت رهبری دولت موقت انقلابی! وضعاً هر دهقانی که میخواهد سنا بدعت انقلابی! بوده و سیر علیه سنا وردهای انقلاب که از نظر "دولت موقت" تفسیر شکل استعمار میاشعه، عمل میکند.

سابقه تاریخی اطلاعات ارضی در این منطقه را این قرار بود که طی مرحله اول و دوم "اطلاعات ارضی رژیم سابق" برخی از دهقانان طی افساط ۱۵ ساله، صاحب قطعه زمینی کوچک و

سماست شدند. بدین ترتیب دهقانان با ارقام را (که در افساط ساسره مالکانه ما قبل اطلاعات تنظیم شده بود) علاوه بر سنا رها و ستمهای سیاسی و اقتصادی متحمل گردیدند و

اس امند که روزی واقعا صاحب زمین شود. ولی سادات ندریحی سدها و بومست حاصلخیزی این زمینها، رژیم پهلوی و اربابان استعمار از ایس زمینها را که از بهترین زمینهای کشاورزی ایران بودند، در دستور کار خود قرار داده و در احیا وجود نگرفتند.

مرحله سوم اطلاعات ارضی که در واقع سمر مرحله سارس کفین سبرس زمینهای دهقانی و متمرکز نمودن آنها در شرکت های سبائی و کشت و صنعت بود، در خدمت ساس هدف رژیم قرار گرفت. بدین ترتیب زمینهای دهقانی بزور ساقبت نازل از آنان "خریداری" شده و چونکه دهقانان این منطقه در وضع اقتصاد بدتری ارجحی

فصل از "اطلاعات" قرار گرفته و سبوروب دهقانان بی زمین و فقیر در آمدند. انسان با کت و صنعت ها میخواستند و سارجی دیگر آواره سهرها و دیگر سبر روستا خاک گشتند. سراسر دور از دهقانان منطقه دست به ماز سهره سله شرکت های امیرالستی کت و صنعت چه از درون و چه از بیرون برداشتند.

سرانجام بیشترین این شرکتها که سبیل را بر سر ما به داری واستند در روستا ها بودند بدعت سباز را به دهقانی برای کسب زمین و صرهای سدا موم اقتصادی و رنگته شدند. و سراسر گذاران خارجی و هم سبیلکان و سبیل قرار را بر سر اتر حیح دادند در سب

بدین در صفحه ۱

فوق‌العاده...
 بررسی تحلیلی حاوی از این
 نسبت مادر خوزه بی بدین کار
 خواهم ورزید). در نتیجه بنا
 به سابق در دوران آموزشگاه
 دست به اجاره دادن این زمینها
 به بان و خرده مالکان ردا خود
 بر این شرکتها موقتا حلا می بخشد.
 ان انقلاب نیز در این مناطق
 بان و کارگران کنایه و رزی دست
 زره و اعتماد و امثالهم زند.
 سه راه های قبلی نوشتم که
 - ارضی صحیح انقلابی و دیگر تیک
 د این شرکتها همانا مصداق
 آنها و سلب مالکیت از شرکتهای
 بالیستی و کمپرادوری و سپهرن
 و اداره کردن این شرکتها
 به تقسیم اراضی مابین دهقانان

بکطرف انواع "اصلاحات ارضی" از
 طرف دیگر در طی سالیان دراز (بخصوص
 ۱۷ سال اخیر) بوده اند. نخواهد بود.
 آنها مسلما دست به مخالفت، مقاومت
 و مبارزه خواهند زد، هر چند که در شرایط
 فقدان ارتباط با کارگران شهری و
 ستاد سیاسی هدایت کننده طبقه کارگر
 ایران بر میسرند که خواه نا خواه بر
 روی دامنه عمیق مبارزاتشان موثر
 خواهد بود. ولی آنچه مسلم است سیاست
 "دولت موقت" تشادهای موجود در
 منطقه را تشدید خواهد نمود و طبقه
 منطقه دست انجمنهای (شوراهای)
 دهقانی و کارگری شرکتها با یاری
 و این تنها راه حل صحیح است که
 بتوانند در سنای اتحاد کارگران
 و دهقانان این منطقه هم مسئله دهان
 زمین به دهقانان منطقه را حل کنند
 هم آنرا با مسئله چگونگی اداره این
 شرکتها را تلفیق دهد.
 راه حل "دولت موقت" راه حل
 ضد دهقانی و ضد کارگری برای حل
 مسئله بوده و مسلما مورد توافق دهقانان و
 کارگران این منطقه که شاهد تشوابع
 استثمار فئودالی و سرمایه داری از

ک بر خوانین...
 دهقانان را تجدید و مبارزه ای که نیکه رنج سالها متارفا
 را بر شانه های قدرتمند توانای خود حمل میکنند بیوش تا شاید
 روز حتمش شهروده هیچکس جز با روی توانای خودش نیست. شما حق
 می و طبیعی خود یعنی زمینی که روی آن کار میکنید را میخواهید دولت
 با (خسروخان، محمدخان، جوادخان...) را مسلح میکند و کمیته های
 را تا تنگنگی هایشان در مقابل شما میا بستند. میخواهد دهقانان
 روحی انقلابی را تحت عنوان "شما انقلاب" خلع سلاح کند، در حالیکه
 با راه مسلح میکنند. تا به تسلیم شد. شما باید دیگر زیر بار ظلم و رورزی
 بر هر کس که میخواهد باشد. در مقابل دستها و پایش و تنگنگی های خاها
 شد، با باید مسلح شد و از جان و مال و ناموس خود دفاع کرد. آنجا که
 در آن دلیر کرد ما میکند، با باید و باره زیر بارستم مالکان ظالم
 دهقانان دلیر و تجدید، قدرت شما در اتحاد شما است. در مقابل
 ملاکین اگر پراکنده باشد هر چند. ولی اگر متحد بوده و شورای خود را
 بل دهد کوه هستید. شورایی که به دسته مسلح دهقانان انقلابی برای
 در مقابل ملاکین و گرفتن حق دهقانان است. مچهر باشد. در مقابل
 اتحاد ملاکین و رورزی با دولت، تنها اتحاد شما و شورای شما که
 به شرکت با ملاکین، زاندارها، و روحانیون حامی مالکین را در آن
 هدایت که میتواند شما را حق خود برساند. میتواند دردهای واقعی
 آن بعمد و برای آن چاره بسندید. زمینتان را از مالک مفتخوران دیگر
 سلم شما یعنی تملک بر زمینی که بر روی آن کار میکنید، میراث انقلابی
 خواهد بود. جرات و قدرت عمل انقلابی خواهد بود.
 زنده باد اتحاد دهقانان و تجدید در مقابل مالکین مرتجع و
 حامیانشان.
 زنده باد شورای دهقانان انقلابی.
 زنده باد دسته های دهقانان مسلح در تحت رهبری "شورای
 دهقانان انقلابی"
 مرگ بر خوانین ظالم و حامیان آنها.
 تقسیم زمین بدست "شورای دهقانان انقلابی" تنها راه
 صحیح بخواست دهقانان و تجدید است.

دولتی ابک سیاست ارضی اش "اجرای
 کامل اصلاحات ارضی رژیم وابسته
 امیرالایم شاه" است. بیشتر از این
 نمیتوان انتظار داشت. مادر شماره
 آئینده سیاست ارضی "دولت موقت"
 در مجموع وجود، سرچورد خواهد بود.

اخبار از آمل

حسن زاده بی تفاوت میماند، رورسیردهم عبد مرتضی جندی اراهالی راه
 شدت کتک میزنند. صبح روز ۲۴ ماهالی برای اعتراض به زاندار مسمری
 محمود با در فتنه آنها را از آنجا بیرون کردند. اهالی طرف آمل آمده و
 در ساعت یک بعد از ظهر در فرمانداری تحصن اختیار کردند.
 ۷ - دهقانان بی زمین غرب محمود با دزمینی را بسطت هکتار
 که تحت مالکیت خواهانها ماسی بودندین خود تقسیم نمودند. کمیته انقلاب
 اسلامی محمود با دبه محض ستید. این قضیه جوانان گرفتار شدیدی بر
 تشنه کاری از کنا و رزان شد که مورد اعتراض شدید دهقانان فرا گرفت.
 کمیته تهدید کرد که بعد از زکات اصال زمینها را از آنها پس خواهد گرفت.
 ۸ - دهقانان مبارز روستای "سواج مارو" واقع در محمود با د
 ۱۴ هکتار زمینی را که قبلا توسط شخصی بی نام آنرا اسامداری با حمل
 سند عصب شده بود قبلا از قیام میچمن ما تصرف و در سن خود تقسیم کردند.
 مالک زمین در تاریخ ۵۸/۱/۲۳ بدکمسیون ۵ نفره نکابیی مسی بر تصرف
 عدوانی زمین تسلیم نمک و ادعا میکند که ابتدا ۸ هکتار را ارضی تصرف شد
 و بقیه در تاریخ دیگر مورد تصرف قرار گرفت. کمسیون ۵ نفره در تاریخ ۵۸/۳/۲۱
 خلع بد مالک را از ارضی اعلام میکند. ولی در تاریخ ۵۸/۳/۲۱ در حکم خود
 تجدید نظر کرده و ۸ هکتار را این ارضی راه مالک نامرکوداند.
 ۹ - "یائین گناب" روستایی است واقع در حومه ماسل، در اطراف
 این روستا ۲۵۰ هکتار زمین با بر، خود دار دکه بوسیله شرکت تعاونی در
 اجاره ابوالقاسم توکلی بود. در اطراف این روستا ها، دیگری ارحمله
 "واجک" قرار دارد. اهالی روستای یائین گناب و واجک که اکثری زمین
 هستند این را تصرف کردند، توکلی به کمیته ما نام نکاب میکند. آقای احمدی
 زادیکی از روحانیون کمیته میگوید زمین مال توکلی است و دهقانان باید
 در آن کت کنند و نصف محصول را به توکلی بدهند، اما دهقانان مخالفت
 کردند. مصفا اهالی این دوروسا بر سر این زمینها اخلاقیاتی هم دارند.
 ۱۰ - قریه خورشید" در ۶ کیلومتری نکاب واقع شده است، اکثر
 روستایان این قریه در روی زمینهای نامشروع خود با نام قرار مسعه کاری
 بر روی زمینهای زمینداران بزرگ کار میسولند. در سال ۵۴ شخصی بماس
 جرح سرکشیان بدستای آوانسیان که هر دو ارضی هستند با بد دورور و
 اعمال نفوذ پس از ۱۲۵ هکتار از مرغوشترس زمینهای این روستا را به
 تصرف خود درآوردند. البته منظورشان فقط استفا ده اروا مکتا و رزی (۲۷
 میلیون تومان) بود و اس بول را برای کارهای دیگران اسفاده میکردند
 و در نتیجه این زمینها بیکار رسده بود. در جریان انقلاب دهقانان زمینهایشان
 را تصرف کردند و به کشت مشغول شدند، اما سرکشیان تا کتک شما سدگاس با
 بولدور زکشت دهقانان را خراب کرد، اهالی برای اعتراض به کمیته شهر
 رفتند، از طرف کمیته اعلام شد که زمین مال سرکشیان است. اما در اعتراض
 فوات و مخالفتیای شدید دهقانان کمیته مجبوره تقسیم زمینها بین روستائیان
 شد.
 ۱۱ - روستای کوه زر زمین کلوده و وین ده در جاده آمل - محمود
 آباد قرار دارد. ۱۲۵ نفر از دهقانان بی زمین این روستای خواستند زمین
 با پیری را که مساحت آن ۱۵ هکتار زمینها شد و مخروبه بود تصرف کنند. از طرف
 دیگر مالکان این روستا همی خواستند این زمین را در اختیار خودشان
 بگیرند. بعد از کشمکش زیاد سنگابیت به کمیته شهر رسده شد و کمیته با نام شهر
 از دهقانان بی زمین را بی صلاحیت تشخیص داد.
 ۱۲ - زمین با پرومخروبه ای به مساحت ۱۵ هکتار در "سپار ریسن"
 واقع در یک کیلومتر ۴ جاده آمل - ماسل قرار دارد. این زمین در اختیار شرکت
 تعاونی بود (دولت در سال ۴۲ این زمین را از مالکان گرفت) ۵۲ نفر از
 روستائیان بی زمین این مقدار زمین را بین خودشان تقسیم کردند و سبب
 زمین، لویا و بنیه کا شدند. مالکان هم بکار رن نشسته به کمیته شهر شکایت
 کردند و فلابین دهقانان بی زمین و مالکین بر سر این مقدار زمین در کمیته
 درگیری میباشند.
 این اخبار به همت دانش آموزان و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی
 طبقه کارگر جمع آوری شده است.

دران دهقانان انقلابی مبارز

دیروز خوزستان امروز کردستان... فردا کجاست بخون خواهید کشید

اخبار زیرگوشه ایست از آنچه کردستان گذشته است. ما در آینه ارزش مفصل تری از وقایع خونین دستا نخواهیم داشت که در اختیار اندگان قرار خواهد گرفت.

صبح روز ۲۶ ام مرداد ساعت صبح به اتحادیه دهقانی سقزخیبر سیدکده افرا داد اتحادیه در محاصره خانها بنا ده و یحیی خاوشی به شهادت رسید و فتنه بقیه نیز در حال اتمام یک نفر هم زخمی شده است. در همان زبلان مله خیر به بوکان، مها با دو گرشهرهای اطراف رسید، و برای ک به افرا داد اتحادیه جمعیتها شادای از نیروی مسلح خود را آماده و دندو بطرف کرتوروا نه نمودند.

نزدیک به ساعت ۱۰ شب همه روهای مسلح در ایران شاه گوردند و پس از یکسری بحث ها نتیجه شد که با یستی به کمک افراد حادیه شافت - اما از زمان یکهای فداشی خلق که ۴ اسپرنیز ده بود با فرستادن نیرو و مخالفت رید و معتقد بود که میتوان با بحث فتگو آن چهار اسپر را پس گرفت و به یین دلیل نیروهای مسلح خود را جدا ده و در ایران شاه از دیگر نیروها که رف گرفت و شروع به حرکت کردند جدا، نیروهای مسلح در دوره تکاب ده شده و نزدیک ساعت ۱۱ شب شروع با ده روی به سوی کرتوروا نمودند. یک ساعت ۲/۵ نیمه شب بود که از ین سنگری که در مسیر راه گرفت و مواز - خانها ایجا شده بود تا از رسیدن وی کمی به گرفت و جلو گیری دیه سوی نیروهای مسلح کمک می ک شد. بعد از یک ساعت و نیم نبرد به وسیله نیروهای انقلابی فتح در این نبرد یک انقلابی به شهادت زوینج تن از درون سنگر کشته دو بقیه از تاریکی شب استفاده ه گرفتند. در میان پنج کشته ای های مانده بود چهار تن از خانهای ک و یک نفر مزدور بود. فسر دای ن شب نیروی مسلح انقلابی حوا - ساعت ۲/۵ بعد از ظهر وارد کرتوروا

در کرتوروا جسد ملا سید رشید در های اطراف بدست آمد و طبیبان اهالی تعدادش نفر از اعضای دیده دهقانی به اسارت در آمده با راهم راه خود برده و منطبق

را ترک کرده بودند. گرفت و هنگامی که به تصرف نیروهای انقلابی در آسند درست حالت یک دهکده ای را داشت که مدتها در اسارت دشمنان خارجی بوده شما می دختران و زنان جوان را با خا - طرا بینگه از طرف خانها مورد تجاوز قرار نگرفتند ز دره های اطراف فراری داده بودند و تنها بچه ها، پسر مردان و پیرزنان در ده باقی مانده بودند. مردم دهکده هنگام دیدن نیروهای مسلح انقلابی آنها را میسوسیدند و از فرط شادی گریه میکردند. آنها تعریف میکردند که چگونه اطراف ده را گرفته و از مردم خواسته اند که زنان و دختران جوانشان را برای آنها بفرستند و چطور گوسفندانشان را به گلوله بسته یا به مزارع بیونجه برده بودند تا از فرط خوردن بیونجه بترکند. بعد از مدتی تحقیق در منطقه اطراف معلوم شد که خانها گریخته اند و به روی قلای که در قسمت شمالی دهکده گرفت و است رفته و اسرار را هم با خود برده بودند. حوالی غروب آفتاب رهبری نظامی تصمیم گرفت که برگردند. اما دلیل برگشتن و نیمه کاره ماندن کارها نام معلوم باقی ماند و معلوم شد که آن همه نیروی مسلح را که در طول این مدت از کمک شما می خلق نقرودها ت اطراف برخوردار شده بود و حتی افراد کمیته اما نیز به صف این نیروها آمده بودند چرا از نیمه راه بازگردانند و کاری را که می بایست همان شب تمام شوند نیمه تمام باقی گذاشتند و به سقز برگشتند.

همان شب (شب برگشتن نیروها از کرتوروا) یکی از اسراراد به کیه تی نیشتمانی در جمعیت سقز سخترانی ایراد کرد و من ذکر شد که در این جنگ قریب ۷۵٪ پیروزی را به دست آورده ایم. و سختران بعدی که از اعضای جمعیتها بود در سخترانی خود خواهان ایجا دیک جبهه وسیع از همه نیروهای مخالف برای جلوگیری از تهاجم ارتش و نیروهای مسلح به کردستان شد.

روز بعد خبر رسید که نیروهای پاسدار (مجاهدین دولتی) گرفت و را اشغال کرده اند و در همان روز که تعدادی از نیروهای مسلح انقلابی با هیئتی که برای مذاکره با آنها انتخاب شده و مستقر در ایران شاه بودند تا در باره گروهانها صحبت

کنند، متوجه شدند که پاسداران دوراه تکاب را اشغال کرده اند و سپس سلا - فامله خیر رسید که پاسداران بسوی ایران شاه در حرکتند. نیروهای مسلح به کوههای اطراف ایران شاه رفتند و سنگر گرفتند. شب هنگام که بیین نیروهای انقلابی و پاسداران جنگ در گرفت، پاسداران نزدیک به ۱۲ نفر کشته و ۳ زخمی و ۲ اسیر بجسای گذاشتند.

جنگ در ایران شاه نزدیک به ۳ روز ادامه داشت و در این مدت پاسداران تعداد زیادی کشته و زخمی دادند. در ابتدای جنگ هنوز ارتش و نیروی هوایی نقش فعالی نداشت اما هر چه جنگ ادامه پیدا کرد دخالت ارتش و نیروی هوایی بیشتر شد. در ابتدای جنگ نیروهای انقلابی در مقابل تجاوز پاسداران به مقاومت پیدا کردند اما در عرض چند روز درگیری متوجه شدند که دولت دارای برسانه وسیع و همه جانبه ای و همین باعث شده که نیروهای خود را گره آوری کرده و تا حدودی برای مشکل کردن خود عقب نشینی کنند.

در روزهای آخر جنگ سقز، هلیکوپترها و تانکها و فانتومها عمده ترین نقش را ایفا کردند. بطوری که به وسیله هلیکوپتر تعدادی پاسدار را دریا دگان سقز بریا ده و از فرمانده یا دگان که تا این زمان از دخالت در جنگ خودداری کرده بودند خواستار دخالت شده بودند و بعد از اینکه فرس مانده از این کار خودداری کرده بود پاسداران او را قتل رساندند.

در این جنگ حزب دموکرات عملا خود را کنار کشیده بود و حتی در بوکان که تعداد زیادی مجاهد دستگیر شده بودند، آنها سرا آراد کرد.

در آخرین شبی که سپهر درسد مردم بیوهنگامی که نیروهای دولتی در حال هجوم به شهر بودند مردم محله کنا ریل که نزدیک به ۳۰ - ۴۰ ساختان بیشترند را در خود سدون رهبری هیچ یک از ازمان هسا قهرمانانه حفاظت کرده و متجاوزین را عقب رانده و دلوله توپ، چنسد تیربار و مسلسل کالیبر ۵۰ بدست آوردند. حتی دختر بچه ۱۳ ساله ای یک تیربار را به وسیله یک شیشه کوکتل مولوتف از دست پاسداران سیرون آورده بود.

در آخرین روز نیروهای انقلابی جمعیتها را ترک کرده همه کوله پشتی به پشت گرفته و آماده عقب نشینی از سقز شده بودند. مردم وسایع همکاری میکردند و به پیشمرگه ها غذا و چای میدادند. حزب دموکرات آماده رفتن شده و از شهر خارج شدند حتی تمام وسایل جنگی که مردم محله کنا ریل گرفته بودند از جمله دلوله توپ هم در تحویل گرفته با خود برد. آخرین شبی که دولت دست به هجوم زد نیروهای انقلابی که در کوه ها سنگر گرفته بودند ضربات فراوانی بر آنها جبین وارد آوردند.

هنگامی که شهر بدست دولتیان افتاد اینان شدیداً شروع به دستگیری افرادی که نقش در مبارزات داشتند، کردند و این کار را به وسیله مزدورانی که گرد بودند انجام میدادند (مزدوران با رجا ای صو - رت خود می بستند و افرا در ابا انگشت نشان میدادند).

دوروز بعد از گرفتن شهر تعداد ۲۱ نفر را اعدام کردند که از جمله کودکان ۱۲ ساله ای در میان آنها وجود داشت و عده ای هم بیماران بیمارستان بودند که به هیچ روی در مسائل سقز نقش نداشتند و تنها حرمان این بود که دکترهای سما - رسان افراد انقلابی بوده اند و به همین دلیل آنها هم که مریض بوده - اند به انقلابی بودن مشکوک بودند.

در شبهای بعد از آنکه ها بر فراز شهر سقز روشن شدند و جنگ به صورت رباترینزایی همچنان ادامه داشت بوکان به سادگی به دست میا حنین افتاد که بدون جنگ موفق به گرفتن آن شدند اما نیروهای مسلح و انقلابیون همه به سوی کوهها حرکت کردند.

مها - دولت از جاده رضا شیه - مها - باد نیروی ده نمود و پیشمرگه ها که در کوهها مستقر شده بودند توانستند نیروهای مهاجم را به عقب برانند و فانتوم ها در این شب و شبها و روزهای بعد وسیعاً شروع به بمباران و تلیک در کوههای اطراف میا باد نمودند.

در مراحل بعدی جنگ بیین نیروهای دولتی و حزب دموکراتی بقیه در صفحه ۱۱